زندگی قدس
دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۷
۵ صفر ۱۴۴۰
سال سی و یکم
شماره ۸۸۰۹
۱۵ اکتبر ۲۰۱۸
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

خرده روایت‌هایی درباره مرحوم سید ابوالقاسم شجاعی
که به عنوان یکی از شاخص‌ترین خطبا و مبارزان معاصر شناخته می‌شد

من تربیت شده مرحوم فلسفی‌ام

۱۰

نگاهی به زندگی و مبارزات شهید محراب
« آیت الله اشرفی اصفهانی»

یک شهید، دو مزار!

۱۶

احسان حسینی‌نسب نویسنده کتاب «مکاشفه در تریلی»
در گفت و گو با قدس از کتاب تازه‌اش می‌گوید

روایت پیاده‌روی اربعین «به سفارش مادرم»

۱۴

گفت‌وگو با پروانه معصومی که ۳۴ سال پیش
در نقش مادر یک جوان روشندل مقابل دوربین رفت

لمس سختی‌های نابینایی در «گل‌های داوودی»

۱۵

آگهی مزایده اموال غیرمنقول مرحله اول

به موجب پرونده شماره کلاسه ۹۷۰۰۱۱ اجرای احکام دادگستری طرقبه شاندیز محکوم علیه توران جلیلی‌فر - غلامعلی یعقوبی طرقی محکوم‌اند به تحقق و تأیید وقوع عقد بیع زمین به پلاک ثبتی ۳۲۵۵ فرعی از ۵۸ فرعی از ۱۶۸- اصلی بخش ۱۰ مشهد ریال بابت اصل خواسته و کلیه خسارات دادرسی و حق‌الوکاله در حق محکوم له محمد حسن‌زاده و پرداخت نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی ننموده به درخواست محکوم له اموالی در عوض بدهی به شرح ذیل معرفی و توقیف نموده است و توسط کارشناس دکتر عباس طرهانی ارزیابی و مقرر گردید در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۱ از ساعت ۸ الی ۹ صبح در محل دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز با حضور نماینده دادستان محترم به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد و حداقل ده درصد از بهای آن نقداً و فی المجلس و مابقی حداکثر ظرف یکماه از برنده مزایده وصول میگردد طالبین به خرید میتوانند ظرف پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد.

شرح اموال مورد مزایده:

۱- ملک به شماره پلاک ثبتی ۴۰۱۳ فرعی از ۱۶۵- اصلی بخش ۱۰ مشهد به مالکیت توران جلیلی‌فر با کاربری زراعی به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع واقع در جاده مشهد گلبهار روبروی کورده برگردان ساغروان به مشهد جاده فناوری برتر نزدیک چاه سازمان آب اراضی سمت چپ که به ارزش ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است.

۲- ملک به شماره پلاک ثبتی ۴۰۵۸ فرعی از ۱۶۵- اصلی بخش ۱۰ مشهد به مالکیت توران جلیلی‌فر با کاربری زراعی به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع واقع در شاندیز روستای ابراهیم‌آباد ساغشک جاده فناوری برتر ۳ کیلومتر بعد از ساغشک به طرف جاده سنتو اراضی سمت راست که به ارزش ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. آ- ۹۷۱۱۲۲۵ م.الف ۲۷۵۷۰

مدیر دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز
لگزیان

آگهی مزایده اموال منقول مرحله اول

به موجب پرونده شماره کلاسه ۹۷۰۳۹۰ اجرای احکام دادگستری طرقبه شاندیز محکوم علیه شرکت سینا قطعه توس محکوم است به پرداخت ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ بابت اصل خواسته و کلیه خسارات دادرسی در حق محکوم له احسان براتی درح و پرداخت نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی ننموده به درخواست محکوم له اموالی در عوض بدهی به شرح ذیل معرفی و توقیف نموده است و توسط کارشناس علی شاهی ارزیابی و مقرر گردید در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۲ از ساعت ۸ الی ۹ صبح در محل دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز با حضور نماینده دادستان محترم به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد و حداقل ده درصد از بهای آن نقداً و فی المجلس و مابقی حداکثر ظرف یکماه از برنده مزایده وصول می‌گردد طالبین به خرید میتوانند ظرف پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد.

شرح اموال مورد مزایده:

تعداد زیادی پوسته گلدانی عقب گیربکس ۵ سرعته بلبرینگ‌دار مخصوص وانت نیسان واقع در شهرک فناوری‌های برتر بلوار صنعت ۷ کوشش ۳ شرکت سینا قطعه که هر کدام به ارزش ۱/۸۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است.
آ- ۹۷۱۱۲۲۶ م.الف ۲۷۵۷۱

مدیر دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز- لگزیان

آگهی مزایده اموال منقول مرحله اول

به موجب پرو نده شماره کلاسه ۹۵۱۹۲۳ اجرای احکام دادگستری طرقبه شاندیز محکوم علیه سعید طاهریان محکوم است به پرداخت ۹ عدد سکه تمام بهار آزادی بابت اصل خواسته و کلیه خسارات دادرسی در حق محکوم له راحله نظافتی مقدم و پرداخت نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی ننموده به درخواست محکوم له اموالی در عوض بدهی به شرح ذیل معرفی و توقیف نموده است و توسط کارشناسان امیدوار- رحیم‌زاده- حبیبی ارزیابی و مقرر گردید در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ از ساعت ۸ الی ۹ صبح در محل دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز با حضور نماینده دادستان محترم به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد و حداقل ده درصد از بهای آن نقداً و فی المجلس و مابقی حداکثر ظرف یکماه از برنده مزایده وصول میگردد طالبین به خرید میتوانند ظرف پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد.

شرح اموال مورد مزایده:

خودرو سایپا تیبا ۲ مدل ۱۳۹۶ رنگ مشکی بدنه سالم دارای تجهیزات معمولی تایرها ۷۰ درصد با مجموع مبلغ ۱۰/۵۵۰/۰۰۰ ریال فاقد بیمه نامه که به ارزش ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. آ- ۹۷۱۱۲۲۷ م.الف ۲۷۵۷۲

مدیر دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز
لگزیان

آگهی مزایده اموال منقول مرحله دوم

به موجب پرونده کلاسه ۹۶۱۳۴۹ اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه محکوم علیه علی سلامت محکوم است جمعاً به پرداخت مبلغ ۱۳۳/۶۱۱/۰۰۰ ریال و مازاد آن تا تاریخ پرداخت و کلیه خسارات دادرسی در حق محکوم له طیبه مومن و پرداخت نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی ننموده حسب تقاضای محکوم له امو الی به شرح ذیل توقیف و توسط کارشناسان محمدرضا نجومی فرد ارزیابی و مقرر گردید در تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۴ از ساعت ۸ الی ۹ صبح در محل دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه با حضور نماینده دادستان محترم به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد و حداقل ده درصد از بهای آن نقداً و فی المجلس و مابقی حداکثر ظرف یکماه از برنده مزایده وصول میگردد طالبین به خرید میتوانند ظرف پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد.

شرح ملک مورد مزایده:

۱- پروژکتور ۵۰ وات ۵ عدد مارک اصفهان هر عدد ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال و ۱۹ عدد چینی هر عدد ۷۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش ۲۰/۸۰۰/۰۰۰ ریال ۲- پروژکتور ۳۰ وات ۲ عدد ایرانی هر عدد ۸۵۰/۰۰۰ ریال و ۶ عدد چینی هر عدد ۵۵۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۳- پروژکتور ۲۰ وات ۸ عدد چینی هر عدد ۴۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش ۳/۲۰۰/۰۰۰ ریال ۴- پروژکتور ۳۶ وات پاور ۹ عدد هر عدد ۶۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش ۵/۴۰۰/۰۰۰ ریال ۵- پروژکتور ۳۰ وات پاور ۲ عدد مارک بدیع ۵۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۶- فریم پرژکتور ۸۵ وات ۱۰ عدد مارک ای ال سی هر عدد ۵۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۷- چراغ توکار چینی و ایرانی ۲۱ عدد جمعاً به ارزش ۱۲/۶۰۰/۰۰۰ ریال ۸- پاور ۱۰ وات چینی برنگ مختلف ۸۵ عدد هر عدد ۲۵۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش ۲۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال ۹- پاور ۳ وات نیولایت ۸۸ عدد هر عدد ۱۴۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش ۱۲/۳۲۰/۰۰۰ ریال ۱۰- تعداد ۵ عدد دکور شیشه‌ای هر عدد ۲۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۱- یک د ستگاه کامپیوتر مانیتور سامسونگ اچ پی به ارزش ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال ۱۲- یک دستگاه فکس اچ پی ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال ۱۳- میز کامپیوتر ام دی اف ۷۰۰/۰۰۰ ریال ۱۴- یک عدد گاوصندوق دودر رمزی اصفهان ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال ۱۵- تعداد ۱۳۰ عدد لامپ کم مصرف ۱۸ وات هر عدد ۶۰/۰۰۰ ریال جمعاً ۷/۸۰۰/۰۰۰ ریال ۱۶- تعداد ۵۰ عدد لامپ کم مصرف ۲۴ وات هر عدد ۷۵/۰۰۰ ریال جمعاً ۳/۷۵۰/۰۰۰ ریال ۱۷- ۱۳ عدد فریم شیشه‌ای مختلف ۱۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۸- نوار اس ام دی ۶ حلقه ناقص در رنگ‌های مختلف ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۹- مقدار ۲۵۰ متر کابل ۴ زوج ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش کلیه اموال مذکور ۱۳۹/۸۲۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. محل نگهداری اموال شاندیز بین ولیعصر ۵ و ۷ فروشگاه برق مهتاب می‌باشد. آ- ۹۷۱۱۲۲۸ م.الف ۲۷۵۷۳

دادورز اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز
لگزیان

آگهی مزایده اموال غیرمنقول مرحله اول

به موجب پرونده شماره کلاسه ۹۷۰۵۹۰ اجرای احکام دادگستری طرقبه شاندیز محکوم علیه محمد جلیلیان فتاحی محکوم است به پرداخت ۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و کلیه خسارات دادرسی در حق محکوم له صادق رضائی سرآسیا پرداخت نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی ننموده به درخواست محکوم له اموالی در عوض بدهی به شرح ذیل معرفی و توقیف نموده است و توسط کارشناسان امیر دارایی باف ارزیابی و مقرر گردید در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۰ از ساعت ۸ الی ۹ صبح در محل دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز با حضور نماینده دادستان محترم به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد و حداقل ده درصد از بهای آن نقداً و فی المجلس و مابقی حداکثر ظرف یکماه از برنده مزایده وصول میگردد طالبین به خرید میتوانند ظرف پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد.

شرح اموال مورد مزایده:

ملک به تمامیت ۲۴۸/۲۹ صدم سهم مشاع از ۲۹۵۹/۵۴ سهم ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۹۵۹/۵۴ مترمربع از پلاک ثبتی ۷۵۳ فرعی از ۸۷- اصلی بخش ۶ مشهد واقع در جاده شاندیز امام رضای ۴ انتهای بهمن ۸ محصور به دو درب و دیوار سنگی آجری با مساحت عرصه حدود ۶۱۵/۷ مترمربع که مقدار حدود ۲۴۸/۲۹ سهم مشاع پلاک فوق در عرصه تراس بندی با دو اختلاف ارتفاع حدود و ۴ متری واقع است دارای دو باب استخر و یک باب بنا با درب و پنجره فلزی دارای انشعاب برق و آب که به ارزش ۴/۳۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است.
آ- ۹۷۱۱۲۲۹ م.الف ۲۷۵۷۴

مدیر دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز- لگزیان

شماره نامه: ۱۳۹۷۰۴۹۰۶۰۹۱۰۰۰۶۹۹
تاریخ نامه: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱
شماره پرونده: ۱۳۹۴۰۴۰۰۶۰۹۱۰۰۰۲۰۱/۱
شماره بایگانی شعبه: ۹۴۰۰۷۷۰

آگهی اصلاحی مزایده کلاسه ۹۴۰۰۷۷۰

احتراماً پیرو آگهی منتشره شماره آ ۹۷۱۰۹۳۱ در روزنامه قدس در مورخه ۹۷/۷/۱۸ در سطر بیست و پنجم عبارت پنجم دیوار و پنجره است بطول ۴/۷۲ متر (چهار متر و هفتاد و دو سانتی متر) به فضای حیاط مشاعی ششم دیوار و پنجره است بطول ۰/۱۰ (ده سانتی‌متر) به فضای حیاط مشاعی که از قلم افتاده است و بدینوسیله تصحیح می‌گردد.
۹۷۱۱۲۸۵

اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
مدیر اجرا شعبه اول اداره ا جرای اسناد رسمی مشهد- احمد افشون پورسربندی

آگهی مزایده امول غیرمنقول(اسناد رهنی)

بستانکار/ مرتهن:بانک اقتصاد نوین شعبه سبزوار
بدهکار و راهن: علیرضا احمد آبادی فرزند غلامرضا ساکن سبزوار
مورد مزایده و محل آن: ششدانگ یکباب خانه بشماره پلاک دوازده هزارو هشتصد و چهل و دو فرعی جداشده از یکصد و هفتاد باقیمانده فرعی واقع در اراضی عمیداباد پلاک یک اصلی بخش ۱۲ سبزوار که ذیل صفحه ۳۳۶ دفتر۳۱۸ ثبت۵۰۲۸۷ بنام راهن اقای علیرضا احمدآبادی ثبت و سندمالکیت صادر شده است و محدود به حدود ذیل است:شمالا بطول۵متر درب و دیوار به کوچه ۸ متری شرقا دیوار به دیوار بطول۳۱/۸۵ متر به شماره۱۲۰۵۲ فرعی جنوبا دیوار به دیوار بطول۵متر بشماره باقیمانده ۱۷۰فرعی غربا دیوار به دیوار بطول۳۲متر بشماره باقیمانده ۱۷۰ فرعی که به استناد سندرهنی شماره۸۲۸۲۴ تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۴ دفترخانه۱۱ شهرستان سبزوار در گرو بانک اقتصاد نوین سبزوار بوده و بعلت عدم پرداخت بدهی منجر به صدور اجرائیه گردیده و بشرح نامه وارده۶۲۱۸۰۰۴۱۳۳ مورخه ۹۷/۷/۷ بستانکار تامورخه ۹۸/۵/۱۱ نزد بیمه پادنوین تحت بیمه آتش سوزی و سیل و زلزله قرار دارد و راهن قبل تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد و فسخ آن بدون موافقت کتبی بانک و حق انتقال و یا واگذاری هرنوع حقی از حقوق خود نسبت به عین یا منافع گروگان و یا انجام هرگونه معامله را به هرصورت و تحت هرعنوان که باشد اعم از قطعی شرطی رهنی و صلح حقوق و اقرار و و کالت و و صایت و اجاره و غیره را بطور کلی هر معامله با عمل و اقدامی نسبت به انتقال یا واگذاری عین یا منافع مورد رهن نسبت به اصل یا مازاد را از خود سلب نموده است که برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ مورد رهن بمبلغ یک میلیارد و هشتاد میلیون ریال ارزیابی قطعی گردیده و بصورت یکباب منزل مسکونی با قدمت ۴۰ سال دیوار باربر و نمای آجر سفال واقع در سبزوار بلوار امام رضا امام رضا یک پلاک شش دارای امتیازات اب وبرق و گاز شهری میباشد که در قبال قسمتی از طلب بانک بستانکار و هزینه اجرایی پرونده اجرایی کلاسه بایگانی شماره ۹۵۰۰۰۱۱ در روز سه شنبه مورخه ۹۷/۸/۲۲ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در محل شعبه اجرای ثبت اسناد سبزوار واقع در خیابان اسدآبادی از طریق مزایده حضوری نقدا بفروش میرسد مزایده از مبلغ کارشناسی شده شروع و به بالاترین رقمی که خریدار داشته باشد فروخته می شودو لازم بذکر است پرداخت بدهی های مزبوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتیکه مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد برعهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهدشد و نیم عشر و حق مزایده مطابق مقررات وصول میگردد ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.
(م الف ۹۷/۱۰۰/۴۴۷)۹۷۱۱۲۸۶
تاریخ انتشار: دوشنبه ۹۷/۰۷/۲۳

علی آب باریکی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سبزوار

خرده روایت‌هایی درباره مرحوم سید ابوالقاسم شجاعی، روحانی مشهوری که به عنوان یکی از شاخص‌ترین خطبا و مبارزان معاصر شناخته می‌شد

من تربیت شده مرحوم فلسفی‌ام

مردم/ آرمان اورنگ | حجت‌الاسلام سید ابوالقاسم شجاعی را بسیاری از اهل هیئت می‌شناسند؛ او صد البته به واسطه سال‌ها زندگی در تهران برای هیئتی‌های آن دیار بیش از هر کجای دیگری نام‌آشناست؛ منبری قدیمی تهرانی و شاگرد مرحوم محمدتقی فلسفی که با وجود ۸۵ سال سن تا همین چند ماه پیش که بیماری سختی سراغش را گرفت، به صدای پرطنین و لحن گیرایش در خطابه و روضه شناخته می‌شد. سید ابوالقاسم شجاعی اما بیش از همه این‌ها یادگار سال‌های پرماجرای تاریخ معاصر و نقش‌آفرینی‌اش در آن دوران بود؛ از همراهی با آیت‌الله کاشانی و شهید نواب صفوی گرفته تا امضا پای اولین اعلامیه‌های حمایت علما از امام(ره) که او را به یکی از روحانیون مبارز و انقلابی تبدیل کرده بود. آنچه در ادامه می‌خوانید روایت‌های کمتر شنیده شده از ۸۵ سال زندگی پرماجرای این خطیب فراموش نشدنی است.

قندهای روضه

در کوچه پس کوچه‌های محله مولوی تهران به دنیا آمده بود. پدرش، سید حسن از منبری‌های مشهور همین شهر بود که همه او را می‌شناختند؛ مسئله‌ای که او را هم به پای منبر و روضه کشید: «خانواده ما خانواده‌ای روحانی بود. پدرم منبری بود و چون لحن گرمی داشت، همه او را می‌شناختند. به قول علاقه‌مندانش هم گل بود و هم بلبل. من هم چون گِلم با نمک امام حسین(ع) آمیخته بود، فقط یک جرقه کوچک می‌خواستم که بروم دنبال مرام و مسلک پدرم.» جرقه‌ای که در همان نوجوانی زده شد و او را وقتی که هنوز از آب و گل درنیامده بود، روضه‌خوان پای منبرهای محله‌شان کرد: «شب‌های بیست و یکم ماه مادرم روضه داشت. چهارسالم بود که وضعیت قند و شکر نابسامان شد و این قبیل چیزها کمیاب. گیر احدی نمی‌آمد. شب بیست و یکم ماه شد. مادرم به من و برادرم گفت که بروید برای روضه هر طور هست قند و شکر پیدا کنید. رفتیم جایی که می‌گفتند قند و شکر هست. دیدیم ازدحام جمعیت طوری است که ما اصلاً نمی‌توانیم جلو برویم. برگشتیم. مادرم گفت توت بخرید، نبود. گفت خرما بخرید، نبود. گفت کشمش بخرید، نبود. دست آخر هم گفت پس چیزی را بهانه می‌کنیم و وقتی مداح‌ها آمدند، پول روضه را می‌دهیم و می‌گوییم قادر به پذیرایی نیستیم، هر کجا رفتید، روضه ما را هم بخوانید. این ماجرا صبح اتفاق افتاد. حوالی ظهر دیدیم سر و کله شوهرخاله‌ام پیدا شد. مادرم پرسیدند شما چطور این وقت روز تشریف آوردید اینجا؟ گفت: «من الان از اداره رفته بودم خانه. طلعت (همسرش) سیدالشهدا(ع) را خواب دیده. حضرت فرموده‌اند بتول امشب روضه دارد، ولی نه قند دارد نه شکر. این خواب را که تعریف کرد به خیر گرفتیم و من برایتان قند و شکر آوردم.» من خیلی بچه بودم، ولی ذهنم متوجه یک حقیقت بزرگ شد. شوهر خاله‌ام که رفت، گفتم: «من می‌خواهم منبری شوم.» اولین شعر را هم همان ساعت مادرم یادم داد: «عمو بیا دم رفتن نظر به حالم کن / رسید جان به گلویم، عمو حلالم کن.» به من گفت بخوان. خواندم. گفت خیلی لحن خوبی است و به درد منبر می‌خورد. همین امشب برو منبر. همان شب بیست و یکم من رفتم منبر و زن‌ها با همین شعر گریه کردند. از همان شب هم این نقش نوکری به من عطا شد. کم کم این همسایه و آن همسایه من را می‌خواستند.»

آقای فلسفی می‌گفت: من تربیتت کرده‌ام

سیدابوالقاسم تا سال‌ها روضه‌خوان پای منبرهای اهل خطابه تهران ماند و با همان شعرهایی که بلد بود، مجلس داری کرد. دست‌آخر اما کم‌کم این علاقه او را به حوزه‌های علمیه تهران کشاند تا خودش بشود یکی از اهل خطابه تهران آن زمان: «حوزوی که شدم، نشستم پای درس حاج آقا جعفر خندق‌آبادی. مقدمات و فلسفه و به طور کلی سطح را خدمت ایشان خواندم. بعد هم شدم شاگرد درس تفسیر آقای امام اهوازی.» همه این‌ها یک طرف، اما سید ابوالقاسم را بیش از همه به شاگردی مرحوم محمدتقی فلسفی می‌شناسند؛ استادی که او از کودکی با آن محشور بود: «سن و سالی نداشتم که همراه مادرم پای منبرهای مرحوم فلسفی می‌رفتم. آن روزها تلاوت قرآن پیش از منبر چندان رایج نبود. با این وجود همیشه پیش از منبر آقای فلسفی، قرآن می‌خواندم. دست‌آخر هم یک روز به خانه ایشان رفتم و موقع جلسه وعظ و خطابه، پایین مجلس نشستم. موقعی هم که جلسه تمام شد، خودم را به آقا رساندم و گفتم: «من همانی هستم که پیش از منبرهای شما قرآن می‌خواند.» بعد از آن هم تا روزی که آقای فلسفی در بغلم درگذشتند، همیشه ملازم ایشان بودم. یادم هست این اواخر به صورت من نگاه می‌کردند و می‌گفتند: «خودم تربیتت کرده‌ام.»

سبک آقای فلسفی معروف بود

سال‌های نوجوانی سید ابوالقاسم سال‌هایی بود که نه تلویزیونی در کار بود و نه مذهبی‌ها اجازه می‌دادند راه‌پای رادیو به خانه‌هایشان باز شود. این بود که منبری‌های هر شهر هم خطابه می‌کردند و هم رسانه‌ای بودند که مردم حرف‌های جدید را از آن‌ها می‌شنیدند. در این میان اما آنچنان که سید ابوالقاسم می‌گوید، محمدتقی فلسفی تافته جدابافته‌ای بود: «در زمان نوجوانی ما هر کدام از اهل منبر تهران به سبکی منبر می‌رفتند، ولی تنها سبکی که در آن روز معروف بود، سبک مرحوم آقای فلسفی بود. خطبا صحبت می‌کردند، اما معلوم نبود که مخاطبانشان چه کسانی هستند، آن‌ها مطالبی را در ذهن داشتند و می‌گفتند و گاهی هم چشمانشان را می‌بستند و می‌گفتند، خواه مستمع بفهمد یا نفهمد. مرحوم آقای فلسفی آمد و بحث را به باب مفاعله برد؛ یعنی شنونده را در جریان سخنرانی مؤثر دید و به او ارزش داد. به چهره مخاطب توجه کرد و چهره سخنرانان را بر آن اساس تعریف کرد، به نوع ادبیات مخاطب توجه کرد و بر آن اساس چیدن کلمات را آموزش داد. این اصول کلی آقای فلسفی بود. به علاوه آقای فلسفی با افکار و مطالب روز با مردم صحبت می‌کرد. برای همین هم من بیشتر تحت تأثیر مرحوم فلسفی بودم.

انقلاب که شد، عده‌ای می‌گفتند «حسن... حسین...» نکنید، جهانی نیست!

این روضه‌ها را امام خمینی رحمه‌الله زنده کردند

◆ شما را به عنوان یکی از مبارزان سال‌های قبل از انقلاب می‌شناسند. آشنایی شما با نهضت امام(ره) از کجا آغاز شد؟

زمانی که بحث لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح شد، ما خیلی جوان بودیم. آن زمان قلم و بیان حضرت امام(ره) طوری بود که مثلاً وقتی اظهار می‌کردند ما سینه‌های خود را در برابر شمشیرهای شما و نیزه‌های شما آماده کردیم، طبع جوان پذیرای آن بود. یادم هست اولین مجلسی که در آن ایام آقایان وعاظ تشکیل دادند در منزل مرحوم حجت‌الاسلام آقای سلطان‌الواعظین در خیابان لرزاده بود. آقایان گفتند ما چه کنیم؟ بعضی گفتند این یک سیاست است و چنین و چنان. هر کسی به آن ضمیری که داشت یک مطلبی را در این باب عنوان کرد. فراموش نمی‌کنم مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا علی هسته‌ای که از متبحرترین سخنگویان آن وقت بودند، استدلال جالبی کردند. ایشان گفتند که مسئله امر به معروف و نهی از منکر غیر از واجبات دیگر است. واجبات دیگر تابع زمان است و تابع مکان است. مثلاً الان صبح است، من نماز صبح را خواندم. وقت ظهر به من نماز ظهر واجب می‌شود؛ اما امر به معروف و نهی از منکر اینطوری نیست. باید ایجاد قدرت کرد و باید دست به دست هم گذاشت و اگر مسئله‌ای پیش آمد در کنار او این وظیفه عمیق شرعی را انجام داد.

این حرف بین آقایان خیلی شدید اثر کرد و گفتند الان منبر وظیفه دارد دنبال حضرت امام(ره) برود و اطاعت کند. از همانجا هم بود که اولین اعلامیه جامعه وعاظ داده شد. اعلامیه آن هم در اسناد هست که در آنجا آخرین امضاء هم امضای من است؛ چون سنّم از دیگران کمتر بود. بعد هم برای این اعلامیه جمعی از وعاظ را دستگیر کردند. وقتی هم که مدتی گذشت، همه وعاظ آزاد شدند جز سه نفر، آقای محلاتی، آقای فهیم کرمانی و من.

◆ و این ارتباط از همان زمان به صورت مداوم ادامه پیدا کرد؟

بله. البته من ارتباط شخصی هم با خانواده امام(ره) داشتم. مرحوم آقا سید احمد به من خیلی علاقه‌مند بودند. ایشان در مجالس ما شرکت می‌کرد و گاهی هم شبانه به منزل ما می‌آمد. البته بعد از پیروزی انقلاب هم ایشان تشریف می‌آوردند و با هم ارتباط داشتیم. به سبب این آشنایی، امام(ره) هم با من آشنا بودند و خیلی به من محبت داشتند. از طرفی امام(ره) به جهت علاقه به روضه سیدالشهدا به وعاظ هم علاقه‌مند بودند. بعد از انقلاب دوبار اهل منبر را به جماران بردم. البته با همراهی آقای فلسفی می‌رفتیم. یک سال می‌خواستیم آقا محمد کوثری روضه بخوانند، نگذاشتند. بزرگواری - که اسم او را نمی‌برم- آمد و گفت: «حسن حسین اینجا راه نیندازد، جهانی نیست!» من رفتم خدمت امام(ره). گفتم: آقا به ما می‌گویند روضه‌خواندن جهانی نیست! ولی ما می‌خواهیم خدمت شما روضه بخوانیم، ایام عاشوراست. امام(ره) فرمودند: «چه کسی می‌گوید؟ شما باید بخوانید.» من آمدم و به جمعیت گفتم که تمرین کنیم. دم «شیعتی مهما شربتم...» را گرفتیم. بعد من بلند شدم و همان زمزمه را شروع کردم. آقای کوثری هم روضه خواند. اشک‌های امام جاری شد و پرچم‌ها بالا رفت. خدا به حق مادرم زهرا نور به قبر امام خمینی(ره) بتاباند که دسته‌های سیدالشهدا(ع) را زنده کرد. داشت از بین می‌رفت. اصلاً روضه‌ها تعطیل شده بود. یکی از آقایان از یزد به من زنگ زد، گفت [بعد از پیروزی انقلاب] در تمام دهات‌ها پرچم عزا بالا رفت. این عزا را امام راه انداخت. خاطره دیگری را که دارم این است که یکی از دفعاتی که خدمت امام رسیده بودم، ایشان فرمودند: «آقای شجاعی! چه می‌کنی؟ عرض کردم نوکری جدتان اباعبدالله(ع).» تا گفتم جدتان، ایشان زدند زیرگریه و با دستمال سفیدشان شروع کردند به پاک کردن اشک‌هایشان.

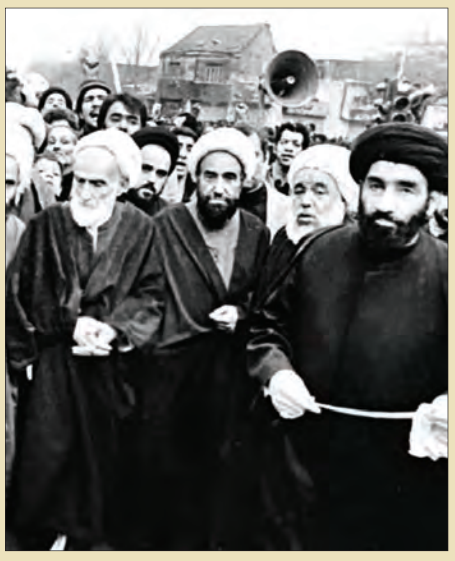

مرحوم شجاعی به همراه مرحوم فلسفی و جمعی از روحانیون تهران در راهپیمایی‌های دهه ۵۰

مرحوم حجت‌الاسلام سید ابوالقاسم شجاعی در میان جمعی از هیئتی‌های تهران

یک ماه با مرحوم شیخ احمد کافی هم بند بودم

دعای ندبه در حیاط زندان

آن زمان هر کدام از آقایان وعاظ تهران دسته‌ای از مردم را هدایت می‌کردند. برای مثال دسته سیاسی در اختیار مرحوم آقای صدر بلاغی بود، بازاری‌های متدین در اختیار حاج میرزا علی اکبر ترک، سفازاده و مرحوم هسته‌ای و افراد کارگر و البته معتقد در اختیار مرحوم آقای کافی. مرحوم کافی قلوب مردم را جذب کرد. چون اولاً مردمی بود، ثانیاً مطابق با فهم و عقل مستمع سخن می‌گفت، ثالثاً متواضع بود و رابعاً خداوند تأثیر خاصی در زبان او قرار داده بود. هر انسانی که پای صحبت مرحوم آقای کافی می‌نشست متوجه خدا، دین و اعمال صحیح اسلامی می‌شد. همچنان که جوانی به من گفت: بنده دانشگاهی هستم و به دلیل اینکه فکر می‌کردم ایشان گوینده عوام هستند، با او مخالف بودم. تا اینکه شبی خوابم نبرد و نزدیک سحر با هدف تمسخر ایشان به مهدیه تهران رفتم، اما وقتی منبر آقای کافی شروع شد تحت تأثیر قرار گرفته و از لغزش‌هایم دست کشیدم.

من یک ماه در زندان با ایشان هم‌بند بودم. ایشان بارها دست من را می‌گرفت، به گوشه‌ای از حیاط می‌برد و آهسته دعای ندبه را می‌خواند.

یادم هست در آستانه نیمه شعبان سال ۱۳۵۷ امام (ره) به مناسبت کشتار مردم در تهران و شهرهای دیگر اعلام کرده بودند که امسال جشن برگزار نمی‌کنیم و چراغانی نخواهیم کرد. آقای کافی نیز به تبعیت از امام(ره)، چراغانی را تعطیل کرد. چند روز قبل از نیمه شعبان، سرهنگ ازغندی، از مأموران شهربانی، ایشان را احضار و سه گزینه مطرح کرده بود: مهدیه را چراغانی کن، یا تحویل نیروهای حکومت بده تا آن‌ها چراغانی کنند یا به مشهد برو. آقای کافی از این وضعیت بسیار ناراحت شده و عازم مشهد شدند و در مسیر هم به شکلی بسیار ابهام‌آمیز، تصادف کرده و به درگاه الهی شتافتند. یادم هست ایشان بدهی‌ای به من داشت. یک هفته قبل از رحلتشان بود که به من گفتند: بگو چقدر طلب دارید تا بپردازم؟ من قبول نکردم، اما ایشان اصرار کردند و گفتند: معلوم نیست تا کی زنده باشم!

مرتب می‌پرسیدم: ایرادم چه بود؟

مرحوم فلسفی منبرهایم را نقد می‌کردند

من هر روز با آقای فلسفی جلسه داشتم. تا جایی که شاید بین خطبا نزدیک‌تر از من به ایشان نبود. حتی ایشان در زمان ممنوعیت منبرشان محبت کرده بودند و منابر خاصشان را به من محول کرده بودند. خودشان هم گاهی پای منبر می‌آمدند و بعد از منبر که منزل می‌آمدیم، اشکالات من را گوشزد می‌کردند. یادم هست یک بار ایشان پای منبرم بودند و بعد از آن پرسیدم: ایرادم چه بود؟ ایشان گفتند: «چرا برگشتی و به پنجره نگاه کردی؟ حواس همه پرت شد. پشت سر تو همه سرشان برگشت به سمت شیشه. تو باید مستمعین را نگاه کنی» یا یک بار دیگر در منبر گفته بودم: «زنازاده پسر زنازاده» اما ایشان فرمودند: بزرگ‌ترین اشتباه را کردی! من گفتم: عین کلام را بیان کرده‌ام. اما ایشان معتقد بودند منبری نباید در منبر فحش بدهد. به قول ایشان باید می‌گفتم: «آلوده دامن پسر آلوده دامن».

زمانی هم تعدادی از اساتید دانشگاه آمده بودند منزل آقای فلسفی. روز شهادت امام سجاد(ع) بود. ایشان امر کردند که من منبر بروم. من در آن جلسه راجع به عبادات امام سجاد(ع) صحبت کردم که مثلاً ایشان چشمشان از گریه قرمز شده بود و پلکشان زخم شده بود و چنین و چنان. وقتی که این دانشگاهی‌ها رفتند، آقای فلسفی عصبانی شدند و به من گفتند: چرا این طور صحبت کردی؟ من عرض کردم: آقا همه را که از منابع اسلامی گفتم. ایشان گفتند: بله درست گفتی، ولی بعدش باید بگویی شما به اندازه استعدادتان تلاش کنید. شما نمی‌توانید امام شوید، ولی باید در راه اهل‌بیت (ع) بود.

قضیه فوت ایشان هم خیلی ناگهانی شد. در آخرین جمعه حیات مرحوم آقای فلسفی همراه با آقای عسگر اولادی خدمتشان رسیدیم. ایشان پرسیدند: آقای شجاعی در مجلس حضور دارند؟ گفتم: بله و خدمتشان رسیدم. فرمودند: شنبه نهار شما، آقای محمود نجفی و آقای مهدیان میهمان من هستید، چند لحظه بعد دیدم حالت چشمشان عوض شد، مدتی سکوت کرد، سه نفس عمیق کشید و به آستان مبارک پروردگار رفت.

دیدگاه

روایت محمدرضا کائینی درباره نسلی از اهل خطابه که باید همچنان برقرار بمانند

متحیر بودم از استقامتش

الحال که به نگارش این کلماتم، دقیقاً به یاد نمی‌آورم که برای آغازین بار، در چه موقعیت یا مناسبتی شخص یا منبر زنده‌یاد سید ابوالقاسم شجاعی را دیدم، که تقریباً از دوران کودکی او را بر منبر بسا مجالس مهم به خاطر می‌آورم. اما آغاز آشنایی نزدیک ما از مجالس صبحگاه جمعه در منزل مرحوم فلسفی بود. شجاعی تقریباً از ارکان آن محفل به شمار می‌رفت و تقریباً هر گاه مرحوم فلسفی می‌خواست کسی را به منبر بفرستد و سخن‌ها و نقدهای بعد را به گفته او معطوف سازد، او را برمی‌گزید. مرحوم شجاعی بعدها به صاحب این قلم گفت که در نوجوانی با خطابه‌های مرحوم فلسفی مجذوب وی گشته و منبر و خطابه را برگزیده است.

در آذرماه سال ۷۶ مرحوم فلسفی در پایان یکی از همان مجالس جمعه بدرود حیات گفت. در حالی که مرحوم شجاعی در کنار وی بود و حتی بر حسب نقل خودش لحظاتی قبل از درگذشت برای او لطیفه‌ای نقل کرده بود. هیچ‌گاه سوز و هیجان او را در تشییع و ترحیم استادش فراموش نمی‌کنم. بس کوشید که این مراسم درخور و باشکوه برگزار شود.

مرحوم فلسفی در مقطعی بدرود حیات گفت که از زمان دوم خرداد نوعی هرج و مرج و شارلاتانیسم مطبوعاتی بر فضای رسانه‌ها حکم می‌راند و آن‌ها با بی‌توجهی به این واقعه، نخست از روحانیت و سپس از خود وی - به دلیل انتقادات او از دکتر مصدق - انتقام می‌گرفتند. در چنین شرایطی صاحب این قلم با همان یکدندگی معهود خویش تصمیم به تدوین یادمانی برای مرحوم فلسفی گرفت. کاری که در آغازین سالروز رحلت وی عملی شد و با گفت و شنودها و مقالاتی خواندنی از بسیاری از جمله مرحوم شجاعی به ضمیمه روزنامه رسالت نشر یافت. از آن پس سید در هر ملاقاتی با عبارت «خدمت بزرگی کردی» نویسنده را مورد تفقد خویش قرار می‌داد و کارش را می‌ستود.

شجاعی اما به تبعیت از استادش فلسفی، در سیاست نیز دستی داشت و منابر مهمی را به نام خود ثبت کرد؛ از جمله مجلس مهم ترحیم جهان پهلوان تختی در مسجد فخرالدوله. علاوه بر این در همه سالیان پس از انقلاب هیچ‌گاه دفاع خود از اصل نظام و رهبری را فرو ننهاد. حتی در مجلس ترحیم آیت‌الله سید محمد شیرازی در حسینیه فاطمیون تهران که تقریباً یک سوم آن را به تجلیلی از آیت‌الله خامنه‌ای اختصاص داد و من متحیر مانده بودم از جرئت و استقامت او!

دغدغه او در این اواخر خالی شدن تدریجی منبر از نیروهای زبده و لایق بود و اینکه طلاب مستعد بدین سو سوق نمی‌یابند و به این مهم تشویق نمی‌شوند. مرحوم فلسفی، مرحوم شجاعی و امثال آن‌ها از نسل مبلغانی بودند که انسان به تداوم آن‌ها تردید می‌کند و چنین مباد.

خط خطابه

مراسم تقدیر از یک عمر تلاش مرحوم شجاعی

حجت‌الاسلام شجاعی آنچنان که می‌گویند در همه مسجدهای تهران منبر رفته است. عجیب هم نیست. ۸۰سال خطابه از او فردی ساخته بود که همه هیئتی‌های تهرانی او را بشناسند. برای همین هم روایت‌های زیادی از منبرهای او در فضای مجازی موجود است. برش‌های کوچکی از این روایت‌ها را در ادامه بخوانید.

در هیئت چیزی که خیلی مهم است و گاهی مغفول می‌ماند، تفهیم اخلاق است. هیئتی که اعتقادی به این مسئله نگاه کند، ماندنی است. کسی که رهبر یک هیئت است باید متخلق به اخلاق اسلامی باشد و همه بتوانند فضایل را در رفتار او جست وجو کنند. باید متواضع باشد. باید راستگو باشد. باید همراه باشد. این‌ها که اتفاق بیفتد، محبوب می‌شود. نتیجه محبوب شدنش این است که سدی می‌شود در برابر همه نفاق‌ها و دودستگی‌هایی که ناگزیر همه هیئت‌ها و اجتماعات را تهدید می‌کند.

گاندی، رهبر هندوستان، به مردم آن کشور گفت: او که شما را از استعمار انگلستان خارج کرد من نبودم بلکه رهبر من بود، همان امام حسین (ع) در اسلام که حاضر شد دشمن سر از بدن مبارکش جدا کند اما حاضر نشد تن به زندگی با ذلت بدهد. امروزه هم همین اخیراً که مردم در صنعا به خیابان‌ها ریختند، می‌گفتند «لبیک یا حسین» و امسال هم حجاج همگی فریاد «لبیک یا حسین» سر داده بودند. امروز آنچه داریم از مکتب امام حسین (ع) است و خدا سایه اهل بیت (ع) را از سر این کشور کوتاه نکند و اهل بیت (ع) را از این کشور نگیرد. این احترام از سیاهی زدن به دیوار تا دیگی که در میان آشپزخانه محل غذا پختن برای محبان اهل بیت (ع) بوده و منبری که محل نشر معارف عالیه اسلام می‌شود، از سفره با برکت امام حسین (ع) است.

یکی از مسائلی که اکنون در دنیا مطرح است جنس هر کاری است. من می‌خواندم که در آمریکا یک وکیلی را استیضاح کردند. در جلسه استیضاحش رئیس مجلس گفته بود: ایشان به درد آشپزی می‌خورده به اشتباه آمده وکیل شده. هر آدمی برای یک جنس کار ساخته شده، اگر سراغ کار دیگر هم برود باز با همان جنس خودش کار می‌کند. مثلاً اگر یک طبیبی جنسش تاجر باشد طبابتی که می‌کند تاجرانه است. ما یک روحانی داشتیم که یک وقتی بدهکار بود، به من مأموریت دادند بروم بدهی‌اش را بپردازم اما او قبول نکرد. همین آدم می‌رفت در میان عشایر و مسئله یاد می‌داد، این جنسش روحانی بود. اکنون کشف کرده‌اند که اگر کسی جنسش خونریز باشد، اگر تربیت شود جراح می‌شود و اگر تربیت نشود سلاخ می‌شود. مبلغ باید جنس تبلیغ داشته باشد.

سه روایت از زندگی بنت الحسین(ع)

۳ ساله‌ای که طومار بنی‌امیه را در هم پیچید

معارف / نازلی مروت| حضرت رقیه(س) جلوه‌ای از شکوه و عظمت حماسه عاشورا است. حضور این کودک خردسال در متن نهضت حسینی بی هیچ شک و شبهه‌ای اتفاقی ساده نبوده است، چنان‌که هر یک از کسانی که در واقعه نینوا حضور داشته‌اند، حامل پیامی شگرف و شگفت بوده‌اند. به گواه تاریخ‌نگاران و مقتل‌نویسان، رحلتِ شهادت‌گونه رقیه(س) اندکی پس از واقعه خونین کربلا در سال شصت و یکم هجری رخ داده است. رقیه سه ساله با وجود عمر کوتاه خود، از مرزهای تاریخ عبور کرد و به جاودانگی رسید.

رقیه(س) حقیقتی در متن عاشورا

نهضت حسینی به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی- فرهنگی اسلام همواره مورد توجه ویژه تاریخ‌نگاران و محققان بوده است. از همین روی بررسی تحریفات عاشورا و شبهه‌زدایی از روایت تاریخی این ماجرا یکی از رویکردهای اندیشمندان شیعی بوده و هست. یکی از شبهاتی که درباره حوادث روز عاشورا مطرح است و در سال‌های اخیر بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته، وجود و عدم وجود دختر سه ساله‌ای منسوب به امام حسین(ع) است که در خرابه شام از رنج دوری پدر از دنیا رفته است.

علامه سید جعفرمرتضی؛ نویسنده کتاب «کربلا؛ فوق الشبهات» درباره وجود دختر سه ساله امام حسین(ع) در کربلا معتقد است: ماجرای کربلا نیز مانند هر ماجرای تاریخی دیگری محتاج نقد و بررسی است، اما این نقد باید همراه با مطالعه همه منابع تاریخی باشد. اینکه نویسنده‌ای با مطالعه چند کتاب به انکار برخی از بخش‌های یک حقیقت تاریخی مانند عاشورا بپردازد، منطقی نیست.

دکترمحمدحسین رجبی‌دوانی درباره اینکه آیا امام حسین(ع) دختری به نام «رقیه» داشته است یا خیر، می‌گوید: برخی به کلی داشتن دختری به نام «رقیه» را برای امام حسین(ع) نفی می‌کنند، برخی نیز معتقدند امام(ع) دو دختر به نام «فاطمه و سکینه» داشته است و لذا داستان دختری به نام «رقیه» را بی معنا دانستند.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) می‌افزاید: اگرچه شیخ مفید دختران امام حسین(ع) را «سکینه و فاطمه» نام برده، اما این تنها نقل تاریخی در این زمینه نیست، بلکه در نقل‌های دیگر تعداد دختران امام حسین(ع) بیش از دو نفر نام برده شده است، به عنوان مثال، در کتاب «مَطالبُ السَؤول» ابن‌طلحه شافعی ـ که نَسَب‌شناس است ـ همچنین در مناقب ابن شهرآشوب مازندرانی، تعداد دختران امام حسین(ع) سه یا چهار مورد ذکر شده است، پس احتمال اینکه امام حسین(ع) دختران دیگری غیر از «فاطمه و سکینه» داشته باشند، زیاد است.

این استاد تاریخ با بیان اینکه سرگذشت حضرت رقیه(س) در کتاب «کامل بهائی» آمده است، می‌گوید: معتقدم که صاحب کتاب «کامل بهائی» از سوی علمای بزرگ شیعه توثیق شده است.

وی می‌افزاید: اگر مرقد حضرت رقیه(س) در جای دیگری غیر از سرزمین شام واقع بود، می‌توانستیم تردید کنیم و بگوییم عده‌ای چنین چیزی را ساخته باشند، اما در شام که پایگاه بنی‌امیه؛ دشمنان قسم خورده اهل‌بیت(ع) بودند، چطور ممکن است فردی برای قرن‌ها در آن مکان و موقعیت بدرخشد و بزرگان و علما به زیارت او بروند و حاجت نیز بگیرند؟!

روایتی از رابطه پدر – دختری

حضور دختر سه ساله سیدالشهدا(ع) در واقعه کربلا و دلدادگی و وابستگی او به پدر یکی از ابعاد عاطفی و تأثیرگذار عاشوراست.

این رابطه پدر- دختری زمانی بیشتر جلوه می‌یابد که امام حسین(ع) قبل از رفتن به میدان کارزار، خواهران و دختران خود از جمله رقیه را فرا می‌خواند و با آن‌ها وداع می‌کند. پیوند عاطفی قوی بین امام و رقیه(س)، جلوه‌های ویژه‌ای از توجه پدر به عواطف کودکانه دختر است. در جریان وداع امام حسین(ع) با رقیه(س) نیز می‌بینیم که امام کاملاً به عواطف کودکانه دخترش توجه می‌کند و با اظهار محبت، در گیر و دار جنگ، به نیازهای عاطفی او پاسخ می‌دهد. وجود این رابطه عاطفی که برای همه پدران دارای دختر ملموس است، زمانی تأثیرگذارتر می‌شود که این دختر خردسال ضمن شهادت پدر و تجربه تلخ یتیمی، به اسارت برده می‌شود و در تمام زمان سفر بی‌تاب دیدار پدر است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدتقی قادری، استاد حوزه و مدرس دانشگاه با اشاره به حضور حضرت رقیه(س) در کربلا می‌گوید: امام حسین(ع) عمداً کودکان را همراه خود آوردند، زیرا تأثیر زن و کودک از نظر عاطفی بیش از مرد است و جای بحث ندارد، افراد می‌توانند بپذیرند مردان را اسیر کنید، ولی نمی‌توانند بپذیرند زنان و کودکان اسیر شوند.

حضور دختر بچه‌ای که در یک جنگ نابرابر شاهد یتیمی خود است، مصایب عصر عاشورا را می‌بیند، غم‌های بزرگان خانواده را شاهد است و در خردسالی مفهوم اسارت را با همه وجود درک می‌کند، یکی از ابعاد تراژدیک عاشوراست که می‌تواند تأثیر ویژه‌ای در همسوسازی مردم با فرهنگ عاشورا داشته باشد.

حضور در کربلا و سپری کردن دوران اسارت همه سرنوشت دختر خردسال کربلا نیست. او در دوران کوتاه عمر خود باید علاوه بر رنج‌هایی که تحمل کرد، همچون سایر بازماندگان عاشورا نقش تاریخی خود را نیز ایفا می‌کرد. بنت‌الحسین(ع) که به دلیل صغر سن و دختر بودن بار عاطفی بیشتری را در مطالعه سرنوشت خود به خواننده منتقل می‌کند، پس از عاشورا در کنار عمه و خواهرش پیام‌آور قیام حسینی بود. بی‌تابی و گریه‌های مداوم رقیه(س) برای دیدار پدر روح و قلب هر انسانی را به پرسش از چرایی روا شدن این ستم وا می‌دارد.

آیت‌الله محسن فقیهی، ظلم لشکر یزید به حضرت رقیه(س) را سبب رسوایی و ویرانی سلسله بنی‌امیه دانسته و می‌گوید: بنی‌امیه برای آزار یک دختر بچه، سر بریده پدرش را در مقابل دیده او قرار داد و باعث جان باختن یک خردسال در اثر غم و رنج این اقدام شد، این اتفاق خرابه شام توسط همه علمای اسلام محکوم شد و به عنوان اثری از سیاست‌های کثیف یزید شناخته شد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می‌افزاید: باید برای حفظ شعایر عاشورا، فعالیت‌های اسرای کربلا در جهت ماندگاری پیام عاشورا مورد تحلیل قرار بگیرد و به همه عالم بگوییم که حضرت رقیه(س) چه گناهی داشت که در خرابه شام به شهادت رسید.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدتقی قادری نیز در این زمینه معتقد است: ظلم یزید به دختر سه ساله‌ای که محبت پدر خود را جست‌وجو می‌کرد، سبب شد تا یزید رسوای عالم شود. اینکه مزار طفل سه ساله در شام بماند و اکنون دارای گنبد و بارگاه شود، ولی یزید و معاویه پس از ۴۰ سال حکومت و به کار گرفتن همه ابزار تبلیغی اکنون هیچ اثری در شام نداشته باشند، بزرگ‌ترین پیام و روشنگری است، پیامی که در شام در قالب گنبد و بارگاه طفل سه ساله می‌بینیم، در هیچ جای عالم نمی‌بینیم.

تلاش امام موسی صدر برای ساخت بارگاه رقیه(س)

خرابه شام بعد از قرن‌ها صاحب بارگاهی می‌شود؛ کوچک مانند شهید مدفون در آن.

غفور سلطانی یکی از بانیان ساخت بارگاه حضرت رقیه(س) است. او با بیان خاطره ساخت بارگاه بنت‌الحسین(ع) روایت می‌کند: ما و تعدادی از دوستان تصمیم داشتیم برای حضرت رقیه(س) کاری انجام دهیم و حرم مناسبی را بر قبر مطهر ایشان بسازیم.

با وجود تلاش‌هایی که انجام دادیم به علت مخالفت دولت سوریه این کار انجام نشد تا این‌که از طریق حاج آقا رضا صدر و دوست دیگری به نام حاج آقا امین رضوی با امام موسی صدر مرتبط شدیم و موضوع را به اطلاع ایشان رساندیم.

ایشان از آن‌جا که رابطه نزدیکی با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه داشت، آمادگی و تمایل ما را که دیدند، اقدام کردند و با حافظ اسد موضوع را در میان گذاشتند و موافقت او را جلب کردند. پس از نامه‌نگاری امام موسی صدر با اسد، کار ساخت حرم شروع شد که هزینه آن را دوستان بازاری و متدین تأمین کردند و در یک مرحله مرحوم حاج آقا سیاهپوشان ۳۰ میلیون تومان به این امر اختصاص داد که وقتی این پول وصول شد، مرحوم شیخ نصرالله خلخالی که از دوستان امام صدر و امین مراجع و علما بود و در این کار هم حضور داشت، به من پیغام داد که کافی است، دیگر نیاز به جمع‌آوری و ارسال پول نیست.

برش

به‌گواه تاریخ‌نگاران و مقتل‌نویسان رحلت شهادت‌گونه رقیه(س) اندکی پس از واقعه خونین کربلا در سال شصت و یکم هجری رخ داده است. رقیه سه ساله با وجود عمر کوتاه خود، از مرزهای تاریخ عبور کرد و به جاودانگی رسید

تا اربعین

حجت‌الاسلام پناهیان در گفت‌وگو با قدس:

همدلی عمومی «اربعین» زمینه فتح و نصرت الهی

وحید اکرمی: یک فعال حوزه و دانشگاه گفت: وقتی می‌بینیم که دل‌های مردم همه به یک نقطه معطوف و متوجه می‌شود و همه با هم تصمیم می‌گیرند که یک سنت الهی را احیا کنند، به دنبال آن نصرت و پیروزی هم خواهد بود.

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان در حرم مطهر رضوی در گفت‌وگو با خبرنگار قدس آنلاین، درخصوص پیاده روی اربعین گفت: عاشقان اباعبدالله الحسین (ع) از زمانی که برای برگزاری مراسم پیاده‌روی اربعین فرصت پیدا کردند، خودشان آن را به صورت خودجوش انجام داده و برگزار کردند. بی تردید اربعین حرکت خودجوش مردمی است و دولت‌ها در پیدایش آن هیچ نقشی نداشته‌اند.

این فعال حوزه و دانشگاه بیان کرد: حضرت امام خمینی(ره) می‌فرمودند که من زمانی یقین پیدا کردم انقلاب به پیروزی می‌رسد که دیدم خدا دل‌های مردم را به هم نزدیک کرده است و همه در گوشه و کنار کشور یک حرف را می‌زنند. امام(ره) از این پدیده به عنوان نصرت الهی نام بردند، زیرا مردم در روستا همان حرف را می‌زدند که در شهرها گفته می‌شد.

وی افزود: در مسئله اربعین هم همین اتفاق رخ داده است. مردم همه با هم یک شعار را سر می‌دهند و یک منظور و نیت دارند. مگر همان تظاهرات خودجوش زمان انقلاب دلیلی بر نصرت و پیروزی در انقلاب نشد؟ اکنون این حرکت ده‌ها میلیونی برای زیارت سیدالشهدا(ع) در یک زمان خاص، چه نصرت الهی را به همراه خواهد داشت؟ این موضوع خیلی پر معنی است. می‌توان از آن پیروزی اسلام را انتظار داشت و چه بسا این موضوع، مقدمه‌ای است برای فرج صاحب‌الزمان(عج) و پیروزی نهایی اسلام بر کفر.

وی گفت: همه دیدیم که پیاده روی اربعین بر مردم عراق و حتی سوریه در زمان مقابله با تروریست‌های داعش، چه تأثیر شگرفی گذاشت و به پیروزی این مردم انجامید؛ معتقدم باید زمان بگذرد تا در تاریخ، بیش از پیش مشخص شود که این همایش میلیونی چه تأثیرات مثبتی بر جوامع داشته است. ما منتظریم که ان شاءالله اربعین به مرور برکات خود را نشان دهد.

حجت الاسلام والمسلمین پناهیان گفت: اربعین نیاز به کسی ندارد. هر کسی که نمی‌خواهد از این موهبت محروم شود، باید مراقبت کند که از قافله جا نماند. اگر کسی نمی‌تواند در این مراسم حاضر شود، فرد دیگری را بفرستد تا او به نیابت از وی در این مراسم شرکت کند.

وی افزود: دولتمردان باید از هم سبقت بگیرند، باید برای کمک کردن به برگزاری هر چه بهتر حماسه عظیم اربعین مسابقه بگذارند، نه اینکه سنگ‌اندازی کنند.

وی اعلام کرد: ما در احکام اسلامی داریم که حاکم حکومت اسلامی اگر دید که حج در حال تعطیل شدن است، باید پول خرج کند و هزینه نماید که مردم به حج بروند و آن‌را اقامه کنند تا حج تعطیل نشود؛ اگر دولت‌ها کمک نکنند این همایش میلیونی تعطیل نخواهد شد اما در شرایط حال حاضر منطقه، به رونق بیشتر اربعین نیاز داریم.

وی ادامه داد: این رونق همچنین سبب می‌شود که مردم هم بهره بیشتری از اربعین و معنویات آن ببرند. این همه بودجه فرهنگی در کشور صرف چه چیزهایی می‌شود؟ مهم‌ترین اقدام فرهنگی که بالاترین اثر را در جامعه دارد بدون شک، پیاده‌روی اربعین است؛ اثر این اجتماع میلیونی بی تردید از هر محفل مذهبی دیگر بیشتر است؛ لذا ما هر کجا بخواهیم هزینه کنیم اولویت باید در درجه اول اربعین باشد.

پناهیان گفت: اگر کسی دارد اما نگران است که در آینده و در جریان زندگی کم بیاورد، باید به خدا توکل کند؛ امام حسین(ع) کمک خواهد کرد و روزی خواهد رسید و جبران خواهد شد؛ اهل بیت(ع) هیچ وقت شرمنده کسی نمی‌شوند. اساساً هر مقداری انسان برای خدا خرج کند خدا بیشتر از آن را برایش بر می‌گرداند؛ یکی از بهترین شکل‌ها برای خرج کردن و هزینه کردن برای امام حسین(ع)، همین مراسم پیاده‌روی اربعین است.

خبر

آیت‌الله علوی گرگانی:

حضرت ابوطالب(ع) حق بزرگی بر مسلمانان دارد

ابنا: آیت‌الله علوی گرگانی بر لزوم معرفی حضرت ابوطالب(ع) به جهان اسلام تأکید و تصریح کرد: جا دارد همایش‌های متعددی در رابطه با این بزرگوار برگزار شود تا همه مسلمین ــ و نه تنها طبقه شیعه ــ ایشان را بشناسند.

این استاد عالی حوزه علمیه در دیدار اعضای شورای علمی همایش بین‌المللی حضرت ابوطالب(ع)؛ حامی پیامبر اعظم(ص) افزود: چهره مبارک ابوطالب(ع) در بین امت اسلام چهره مظلومانه‌ای است و یکی از درد دل‌های ائمه اطهار(ع) این بوده است که مردم آن حضرت را نشناختند.

وی ادامه داد: حضرت ابوطالب(ع) خودش را در امر رسالت فانی کرد. او برای حمایت از پیامبر اکرم(ص) شخصیت دنیایی خود را از دست داد؛ اگر حمایت‌های حضرت ابوطالب(ع) نبود، پیامبر اکرم(ص) ایمنی نداشت. از این جهت، جناب ابوطالب(ع) سهم بزرگی بر گردن همه مؤمنان و مسلمانان ــ و نه فقط شیعیان ــ دارد.

وی افزود: سال درگذشت حضرت ابوطالب(ع) و حضرت خدیجه(س) را «عام‌الحزن» نام گذاشتند و پیامبر(ص) بعد از فوت ایشان مجبور به هجرت از مکه شد.

آیت‌الله جوادی آملی:

مهم‌ترین عامل پیوند حوزه و دانشگاه علم دینی است

رسا: آیت‌الله جوادی آملی با بیان اینکه علمی که موضوع آن خدا باشد علم دینی است، مهم‌ترین عامل پیوند حوزه و دانشگاه را علم دینی دانست.

این مفسر برجسته قرآن کریم در جلسه تفسیر خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، با بیان اینکه مؤمن باید معتقد به اصول و عامل به فروع باشد، گفت: عبادت متوقف بر معرفت به خداوند متعال است.

وی اضافه کرد: اگر کسی به علم دینی، خدا و خلقت آن باور دارد یعنی علم و دین را قبول دارد، برای این شخص می‌توان مسئله علم دینی را مطرح کرد، اگر کسی از نظر علمی، دین و خدا را قبول داشت و لو مؤمن نباشد طرح مسئله علم دینی برای او آسان است.

مفسر برجسته قرآن کریم خاطرنشان کرد: علم دینی تنها فقه و اصول نیست بلکه علمی که موضوع آن دین خدا و فعل خدا باشد، علم دینی است منتها باید توجه داشت، تنها و مهم‌ترین عامل پیوند حوزه و دانشگاه علم دینی است، بالاترین علمی که مشکلات را حل می‌کند، علم توحید است.

رحیم‌پور ازغدی:

زینب(س) نمونه حضور سیاسی زن در تفکر اسلامی است

باشگاه خبرنگاران پویا: حسن رحیم‌پور ازغدی گفت: سخنان کوبنده و روشنگرانه حضرت زینب(س) در کاخ یزید مُهر بر دهان کسانی است که به غلط قایل به محدودیت زنان در اسلام هستند. زینب(س) کسی بود که با خطبه خود اقتدار پوشالی یزید را در هم کوبید و تاریخ این سخنان را به ثبت رساند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در همایش «رسالت زن مسلمان همگام با زینب کبری(س) در مسیر اربعین» که با حضور بانوان ایرانی و عراقی در سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران برگزار شد، با انتقاد از برخی دیدگاه‌هایی که به جایگاه زن در اسلام نسبت می‌دهند، گفت: برخی شبه روشنفکران به غلط جایگاه زن در اسلام را در حد خانه‌داری تنزل می‌دهند و معتقدند دین اسلام سعی بر حذف جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان دارد و آنان را محدود به فرزندداری و همسرداری کرده است؛ این در حالی است که زنان در جامعه اسلامی دارای حضور سیاسی و اجتماعی نیز هستند و بهترین پاسخ برای این شبهه‌افکنان نگاه به سیره حضرت زینب(س) است.

((آگهی ابلاغ دادنامه))

پیرو آگهی‌های قبلی به متهم علیرضا خوشدل فعلاً مجهول‌المکان ابلاغ میگردد بموجب دادنامه اصداری شماره ۹۷۰۹۹۷۷۵۹۳۶۰۰۹۱۴ به اتهام کلاهبرداری در حق شاکی به مبلغ ۵۲/۰۲۰/۰۰۰ ریال در حق شاکی رحیم عرب امیرابادی و همین مبلغ در حق صندوق دولت محکوم گردیده است دادنامه صادره غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ (انتشار) قابل واخواهی است. مراتب یک نوبت آگهی میگردد تا چنانچه مشارالیه به حکم صادره اعتراضی دارد اعتراض خود را به شعبه ۱۳۶ مستقر در مجتمع قضایی امام خمینی(ره) مشهد تسلیم نماید. آ- ۹۷۱۱۲۴۲ م.الف ۲۸۰۶۹

مدیر دفتر شعبه ۱۳۶ دادگاه کیفری دو مشهد- علیرضا مقدم

آگهی ابلاغ دادنامه

بدینوسیله پیرو آگهی‌های قبلی به آقای پوریا صداقتی فعلاً مجهول‌المکان ابلاغ میشود در مورد شکایت آقای محمد خدری فرزند فتح‌الله مبنی بر سرقت مستوجب تعزیر، به موجب حکم شماره ۹۷۰۹۹۷۷۵۹۴۷۰۰۹۸۳ مورخه ۹۷/۷/۱۵ در پرونده کلاسه ۹۷۰۴۰۳ شعبه ۱۴۷ دادگاه کیفری ۲ مشهد حکم به محکومیت شما به تحمل چهل ضربه شلاق تعزیری و تحمل یکسال حبس تعزیری و عین رد مال صادر گردیده، مراتب بدینوسیله در روزنامه درج میگردد رأی صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در همین دادگاه و پس از آن ظرف مهلت بیست روز قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه محترم تجدیدنظر استان خراسان رضوی می‌باشد. آ- ۹۷۱۱۲۴۴ م.الف ۲۸۰۷۱

مدیر شعبه ۱۴۷ دادگاه کیفری ۲ مشهد

ریاست محترم اداره ارشاد اسلامی مشهد

آگهی ابلاغ دادنامه

بدینوسیله پیرو آگهی قبلی به آقای داود الله زایی فرزند محمد فعلاً مجهول‌المکان ابلاغ می‌شود که در مورد شکایت آقای مختار مرادی علیه شما دائر بر کلاهبرداری به موجب حکم شماره ۱۰۰۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۰ در پرونده کلاسه ۱۳۹/۹۷۰۵۴۶ به تحمل هفت سال حبس+ رد مال+ جزای نقدی محکوم شده‌اید و مراتب بدینوسیله در روزنامه درج می‌گردد. رأی صادره غیابی بوده و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این دادگاه است.

آ- ۹۷۱۱۲۴۶ م.الف ۲۸۰۷۲

مدیر دفتر شعبه ۱۳۹ دادگاه کیفری دو مشهد- محمد حسن تنها

آگهی تجدید مزایده اموال منقول و غیرمنقول

به موجب پرونده کلاسه اجرائی صادره از شعبه ۵۰ دادگاه عمومی حقوقی مشهد به شماره بایگانی اجرای احکام ۱۱۰/۵/۹۵۱۷۲۷ آقای علی اکبر رحیمی محمدی محکوم است به پرداخت مبلغ ۷۳۳/۰۴۴/۶۱۵ ریال در حق حسن عالیشوندی و نیز مبلغ ۳۶/۶۵۲/۲۳۰ ریال نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی نکرده است حسب تقاضای محکوم له اموالی به شرح ذیل در قبال اصل خواسته و هزینه دادرسی و نیم عشر دولتی توقیف توسط کارشناس رسمی دادگستری به شرح ذیل ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۵ از ساعت ۸/۴۵ الی ۹/۳۰ صبح در محل مجتمع قضائی اجرای احکام مدنی مشهد واحد مزایده واقع در مشهد بلوار شهید مدرس مدرس ۶ ساختمان اجرای احکام مدنی از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر پنج روز قبل از برگزاری مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد ضمناً حداقل ۱۰ درصد از بهای مورد مزایده نقداً و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد هزینه‌های تنظیم سند و نقل و انتقال مطابق مقررات و رویه قضائی و بدهی‌های معوقه به عهده فروشنده و تخلیه تابع مقررات قانونی بوده و ارتباطی به این اجرا ندارد.

شرح اموال مورد مزایده

یک دستگاه کامیون کشنده ولو 12FH مدل ۱۳۸۴ به رنگ سفید روغنی دارای پلاک انتظامی ایران ۴۷- ۵۳۳ ع ۱۴ خودرو از نظر اتاق و تجهیزات در وضعیت خوب و آماده به کار، لاستیک‌ها در حد ۵۰ درصد؛ بیمه دارای تخفیف حدود ۵ سال که مطابق با نظریه کارشناسی به مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به فروش می‌رسد. (توضیح اینکه سه دانگ از کامیون فوق الذکر به نام محکوم علیه بوده و بابت طلب محکوم له فروخته خواهد شد و سه دانگ دیگر آن متعلق به شخص ثالث آقای فرخ اورنگ می‌باشد که ایشان تقاضای فروش کل خودرو را نموده‌اند و مبلغ حاصل از فروش سه دانگ به ایشان پرداخت خواهد شد).

آ- ۹۷۱۱۲۳۹

مدیر واحد مزایده اجرای احکام مدنی- سیدمحمدرضا تشنگر

آگهی مزایده اموال منقول مرحله اول

به موجب پرونده شماره کلاسه ۹۷۰۰۲۲ اجرای احکام دادگستری طرقبه شاندیز محکوم علیه شرکت پرشین تابلو تابان محکوم است به ۲۵/۳۷۳/۰۰۴ ریال بابت اصل خواسته و کلیه خسارات دادرسی و در حق محکوم له محمد پارسا نهاد و پرداخت نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی ننموده به درخواست محکوم له اموالی در عوض بدهی به شرح ذیل معرفی و توقیف نموده است و توسط کارشناسان سیدجواد قربانی موسوی ارزیابی و مقرر گردید در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱۰ از ساعت ۱۱ الی ۱۱/۳۰ صبح در محل دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز با حضور نماینده دادستان محترم به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد و حداقل ده درصد از بهای آن نقداً و فی المجلس و مابقی حداکثر ظرف یکماه از برنده مزایده وصول میگردد طالبین به خرید میتوانند ظرف پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد.

شرح اموال مورد مزایده:

توقیف شمش مسی از قرار کیلویی ۳۲۰/۰۰۰ ریال و شمشهای لوله‌ای ضایعاتی از قرار کیلویی ۲۳۰/۰۰۰ ریال شمش مسی بصورت رولی و لوله‌ای ۶۸ کیلوگرم و شمش‌های مس توقیف شده دیگر ۵۸۸/۸۴ کیلوگرم مجموع کل قیمت مس‌های توقیفی ۲۰۴/۰۶۹/۴۲۹ ریال ارزیابی گردیده است. محل نگهداری اموال شهرک صنعتی فناوری برتر کوشش ۳ کارگاه تابلوسازی پرشین تابلو می‌باشد.

آ- ۹۷۱۱۲۲۴ م.الف ۲۷۵۶۸

مدیر دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طرقبه شاندیز

لگزیان

جوان ترین ورزشکار کاروان پاراآسیایی:
بعد از طلای جاکارتا به مدال جهانی فکر می کنم

ایسنا: جوان ترین ورزشکار کاروان پاراآسیایی گفت: بعد از طلای بازی های پاراآسیایی به فکر موفقیت در رقابت های جهانی هستم. عارف بهاروند گفت: در پرتاب وزنه کلاس F36 با رکورد ۱۲ متر و ۴۷ سانتی متر صاحب نشان طلا شدم و رکورد بازی های پاراآسیایی را ارتقا دادم. وی گفت: پیکارهای ۲۰۱۹ جهانی امارات را در پیش داریم که دیگر باید از حال و هوای بازی‌های پاراآسیایی بیرون بیاییم و خودمان را برای جهانی آماده کنیم. بعد از طلای پاراآسیایی به فکر موفقیت در امارات هستم و تلاش می کنم رکوردم را ارتقا دهم.

تمجید IWF از وزنه بردار ایرانی
یوسفی:این طلا یعنی آینده برای من است

ورزش: فدراسیون جهانی وزنه برداری در تمجید از نماینده ایران عنوان کرد، علیرضا یوسفی با تکنیک،قدرت و اشتیاقش توانست بر دسته فوق سنگین المپیک جوانان حکومت کند. یوسفی وزنه بردار ایران پس از قهرمانی گفت: من همیشه باور داشتم که این مدال طلا را می گیرم و بسیار مطمئن بودم. البته سخت و دشوار بود اما در نهایت آن را به دست آوردم. این قهرمانی شادترین لحظه زندگی من است و این مدال طلا یعنی آینده و همه چیز برای من است.

ضد حمله

شانس بالای استقلال برای پیروزی در پرونده سوپرجام
قاضی CAS : صدور حکم سوپرجام بیش از یک‌سال طول می کشد

ایسنا: پرند عزیزی کارشناس حقوقی و قاضی دادگاه بین‌المللی ورزش(CAS) درباره پرونده سوپرجام و شکایت باشگاه استقلال از سازمان لیگ و کمیته‌های انضباطی و استیناف به دلیل صدور رای نتیجه شکست سه بر صفر آبی‌ها در این دیدار اظهار کرد: مدت زمانی که این پرونده طول می‌کشد بستگی به بررسی دادگاه دارد. استقلالی‌ها شکایت خود را ارسال کرده‌اند و ممکن است به نتیجه رسیدن این پرونده، بیش از یک سال طول بکشد.وی درباره شانس پیروزی استقلال در این پرونده تصریح کرد: اگر بخواهم واقعیت را بگویم مدارک این باشگاه را ندیده‌ام اما اگر مدارکشان طبق اظهاراتشان باشد، این باشگاه شانس بالایی برای پیروز شدن در این پرونده دارد.

میرزاپور مربی دروازه‌بانان فولاد شد

ورزش: باشگاه فولاد خوزستان برای مربیگری دروازه‌بانان تیم خود به سراغ گلر اول این باشگاه در دهه ۸۰ رفت. ابراهیم میرزاپور که در دوران سنگربانی خود، سابقه عضویت در تیم‌های فولاد خوزستان، فجر خرم‌آباد، استقلال اهواز، استیل‌آذین، سایپا، پیکان قزوین و شهرداری تبریز را دارد برای یک فصل مربی دروازه بان های فولاد خوزستان شد.

برنامه هفته هشتم رقابت‌های لیگ یک

ورزش: هفته هشتم مسابقات لیگ دسته یک فوتبال ایران امروز و فردا برگزار می‌شود. در فاصله بین هفته هفتم و هشتم اتفاقات زیادی در این لیگ رخ داده است. از دستگیری سرمربی قشقایی شیراز تا استعفای مدیر عامل این تیم شیرازی و شایعات و حاشیه‌های اکسین البرز که مسئولان این باشگاه تمام آن‌ها را رد می‌کنند. این هفته درحالی برگزار خواهد شد که با توجه به شرایط تیم قشقایی،این احتمال می‌رود که آن‌ها مقابل بادران به میدان نروند.

دوشنبه ۲۳ مهر

گل گهر سیرجان - مس رفسنجان
بادران تهران - قشقایی شیراز
مس کرمان - خونه به خونه

سه شنبه ۲۴ مهر

آلومینیوم اراک - شاهین شهرداری بوشهر
فجر سپاسی - نود ارومیه
شهرداری تبریز - کارون اروند خرمشهر
شهرداری ماهشهر - ملوان

استارت السد برای دیدار با پرسپولیس

ورزش: تمرین السد بعد از یک روز تعطیلی از امروز برای دیدار برابر تیم فوتبال پرسپولیس از سر گرفته خواهد شد.
به نقل از استاد الدوحه، دو تیم فوتبال پرسپولیس و السد در دیدار برگشت نیمه نهایی لیگ قهرمانان آسیا سه شنبه هفته آینده به مصاف هم خواهند رفت. فریرا، سرمربی السد تصمیم گرفت که روز یکشنبه تمرین تیمش را تعطیل کند و امروز رسما برای دیدار برابر پرسپولیس استارت خواهد زد.چهار بازیکن کلیدی و ملی پوش السد اردوی تیم ملی قطر را ترک کرده‌اند تا به تمرینات السد اضافه شوند و خود را آماده دیدار حساس برابر پرسپولیس کنند.

احتمال بازگشت سروش رفیعی به تمرینات پرسپولیس

ورزش: سروش رفیعی در حال مذاکره با مسئولان باشگاه فولاد برای روشن شدن وضعیتش در این تیم است و امکان اینکه قراردادش را با فولادی‌ها فسخ و به تمرینات پرسپولیس ملحق شود زیاد است. این در حالی است که مسئولان فولاد اعتقاد دارند این بازیکن در تیمشان می‌ماند اما با این احتمال فسخ قرارداد رفیعی کم نیست.
با توجه به سفر حمیدرضا گرشاسبی به عراق جلسه هیئت مدیره باشگاه پرسپولیس که روزهای دوشنبه برگزار می‌شد لغو و به روزهای آتی موکول شد. گرشاسبی برای حضور در مراسم ترحیم مادر بشار رسن به عراق می‌رود.

فرصت کم «گرو» برای فرار از لیست مازاد استقلال

ورزش سه: الحاجی گرو در این فصل با استقلال قرارداد امضا کرد تا جانشین مامه تیام بشود اما او در طول ۸ هفته ای که از لیگ برتر می گذرد نمایش ضعیفی در ترکیب استقلال داشته است تا جایی که تقریبا تمام پیشکسوتان به سبک بازی او اعتراض کرده اند.گرو بعد از ۵ روز تعطیلی تمرین از روز جمعه در تمرین استقلال شرکت کرد و این فرصت را دارد تا در پایان تعطیلات بتواند شرایط خود را در این تیم تغییر بدهد.
در این بین گفته می شود در صورتی که بازیکنان خارجی نتوانند نظر شفر را جلب کنند، ممکن است در نیم فصل نامشان در لیست مازاد قرار بگیرد و با این شرایط گرو باید در ۶ بازی آخر نیم فصل اول توانایی های خود را نشان بدهد.

برای گرفتن حق رشد محرمی
ملوانان لنگر پرسپولیس را می اندازند

جواد رستم زاده: پنجره نقل و انتقالات پرسپولیس هم برای خودش تبدیل به داستان هزار و یک شبی شده است. در حالی که دو پنجره مهم آن‌ها بخاطر طارمی و دوستان بسته شد و یکی دو پنجره دیگر را هم با پرداخت‌های کلان باز نگهداشتند الان خبر از جریمه دیگری برای شان منتشر شده است.

این بار اما پای ملوانان انزلی در میان است. آن‌ها پیای شان را در یک کفش کرده اند تا حق رشد صادق محرمی را بگیرند. اگر چه محرمی امسال از جمع پرسپولیسی‌ها جدا و برای ادامه دوران فوتبالش راهی دینامو زاگرب کرواسی شد اما به تازگی پرونده جدیدی از باشگاه ملوان در شکایت از پرسپولیس در ارتباط با این بازیکن باز شده است. از شمال کشور خبر می‌رسد ملوانی‌ها برای گرفتن حق رشد صادق محرمی که رقمی حدود ۲۰۰ میلیون تومان می‌شود به فدراسیون فوتبال شکایت کرده‌اند و درصورتی که تا تاریخ مقرر این طلب پرداخت نشود و تیم شمالی بتواند علیه پرسپولیس از کمیته تعیین وضعیت حکم بگیرد، این موضوع به دردسر بزرگی تبدیل خواهد شد که می‌تواند به قیمت بسته‌شدن سومین پنجره نقل و انتقالاتی سرخ‌ها تمام شود.

انتقال مجانی

جالب است بدانید از این انتقال خارجی حتی یک ریال هم نصیب سرخ ها نشد چون محرمی قرارداد دوساله اش تمام شده بود و به عنوان بازیکن آزاد راهی کرواسی شد. این البته اولین بار نبود که پرسپولیسی ها در انتقالات سرشان بی کلاه می ماند. وحید امیری هم با همین شکل دست پرسپولیس را در پوست گردو گذاشت و البته بازیکنان دیگر هم کم نبودند.

شهرت طلبی مدیران

اساسا نوع بستن قراردادها در دو تیم استقلال و پرسپولیس بخاطر شهرت طلبی مدیران به گونه ای است که ستاره ها و باشگاه های مبدا بیشترین نفع را می کنند.مدیران برای جا باز کردن در دل هواداران و ماندگاری بیشتر هر بازیکنی را با هر شرایطی جذب می کنند تا از رقیب عقب نمانند. این مسئله در استقلال و پرسپولیس بخاطر کری هواداران نمود بیشتری داشته و دارد.

از محرمی تا مسلمان

امروز ملوان و قبل از آن هم ذوب آهن بابت قراردادهای محرمی و مسلمان پول خوبی تحت عنوان حق رشد از پرسپولیس به جیب زدند. داستان ذوب آهن و پرسپولیس آنقدر شور بود که سرانجام سازمان لیگ تعهد داد تا حق رشد مسلمان را از پول بلیط فروشی سرخ ها در لیگ بدهد.

در مورد ملوان اما ۲۰۰ میلیون آنقدر پولی نیست که پای پرسپولیس بخاطرش به محاکم قضایی باز شود. گرشاسبی هرطور شده این پول را جور می کند اما مسئله این است که چرا باید خرید یک بازیکن فقط برای باشگاه پردردسری چون پرسپولیس هزینه داشته باشد و از فروشش سودی حاصل باشگاه نشود؟

همین امسال اگر قرارداد محرمی و امیری و احمدزاده بهتر تنظیم می‌شد بابت انتقال آن‌ها با این قیمت دلار پول خوبی نصیب پرسپولیس می شد که می توانست گره های مالی آن‌ها را باز کند.

دعوای کادرفنی تیم های ملی بزرگسالان و امید بالا گرفت
جنگ در سیرک

ورزش: میک مک درموت، دستیار کارلوس کی‌روش در پاسخ به اظهارات حمید استیلی که در مصاحبه‌ای گفته بود که با هزینه خودم به جام جهانی رفتم و منتظر پاسخ فدراسیون فوتبال برای استفاده از مرکز پک هستیم، گفت: به نظر می‌رسد آقای استیلی تیم ملی را با سیرک اشتباه گرفته است. او افزود: اگر شما به دنبال استفاده از خرس برای سیرک هستید، بهتر است خرس‌هایی که در میانمار جا گذاشته‌اید را استفاده کنید!

ذوالفقارنسب:سیرک، تیم ملی است

بیژن ذوالفقارنسب مربی پیشین تیم ملی فوتبال کشورمان در واکنش به حرف های درموت گفت: مربی تیم ملی به این صورت بی احترامی می کند اما اگر در فوتبال ایران سیرکی وجود داشته باشد این سیرک همان تیم ملی بزرگسالان است که بازیکنی جزو فهرست دعوت شدگان نیست اما به اردو می‌آید و در تمرینات شرکت می کند. این سیرک است نه درخواستی که یک مدیر برای فراهم شدن نیازهای تیمش دارد. طبیعی است که امکانات فدراسیون فوتبال برای همه تیم‌هاست اما زمانی که حتی کی‌روش و تیم ملی در ایران هم نیستند کسی نباید بازهم از این امکانات استفاده کند.

مهاجرانی:از استیلی عذرخواهی کنند

مهاجرانی، سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران در خصوص اتفاقاتی که بین کادر فنی تیم ملی بزرگسالان و تیم ملی امید رخ داده است، گفت: تا آنجا که من کرانچار و حمید استیلی را می‌شناسم معتقدم آن ها دروغ نمی گویند. کمک مربی تیم ملی باید از استیلی عذرخواهی کند و دیگر نباید از این ادبیات استفاده کند. فدراسیون هم باید پا وسط بگذارد چون یک کمک مربی چه کاره است که در مورد اشخاص دیگر حرف می‌زند.

خداداد: فردا تدارکات پورتو علیه پروین مصاحبه می کند

خداداد عزیزی در مورد این اتفاق با حمایت از استیلی گفت: یک زمان این حرف را کی‌روش سرمربی تیم ملی می‌زد می‌شد آن را به شکلی هضم کرد اما همه را قسم می‌دهم که چشمان خود را روی این اتفاق نبندند که دستیار این مربی به یکی از پیشکسوتان فوتبال ایران توهین می کند.اگر امروز واکنشی نداشته باشیم فردا تدارکات پورتو علیه علی‌پروین مصاحبه می کند و آبدارچی بنفیکا در مورد احمدرضا عابدزاده نظر می‌دهد. دیگر بس است غیرت ایرانی باید اینجا خودش را نشان بدهد. اما مطمئن باشید منافع خیلی‌ها اجازه این کار را نمی‌دهد که بخواهند از استیلی حمایت کنند.

کار سخت فدراسیون

فدراسیون فوتبال برای اینکه زلاتکو کرانچار و کارلوس کی‌روش دو سرمربی مهم فوتبال ایران وارد یک مناقشه علنی نشوند کار سختی خواهد داشت. این دعوا از قبل هم قابل پیش بینی بود. کرانچار و کی‌روش هرگز رابطه خوبی باهم نداشتند. اختلاف این دو به چهار سال و نیم قبل برمی گردد. زمانیکه کی‌روش اصرار داشت ملی‌پوشان سپاهان به جای حضور در بازیهای لیگ قهرمانان آسیا به اردوی آمادگی تیم ملی بیایند و کرانچار شدیدا مخالف این موضوع بود. دو طرف علیه هم مصاحبه کردند و این اختلاف باعث خط خوردن بازیکنانی مثل امید ابراهیمی شد.
مشخص بود کارلوس کی روش با انتخاب کرانچار به عنوان سرمربی تیم امید مخالف است. در روزهایی که انتخاب کرانچار نهایی شده بود، سرمربی تیم ملی در یک مصاحبه جواد نکونام را گزینه مناسب تیم امید دانست. حالا هم باید به نیش و کنایه‌های کادر تیم ملی به نتایج تیم امید در بازیهای آسیایی اشاره کرد. این بار هم رابطه تیم ملی با تیم امید یک رابطه کاملا خصمانه است.

سابقه دعواهای کی روش

دوره قبل دیدارهای انتخابی المپیک هم داستان همین بود. تقابل شدید کی روش با محمد مایلی کهن، حبیب کاشانی و محمد خاکپور. دو گروه آنقدر باهم مشکل داشتند که در ویدیویی مشخص شد پس از برد ایران، کی‌روش از کنار کاشانی رد شد و حتی حاضر نشد یک ثانیه با او روبه رو شود. مایلی کهن هم در اظهارنظری عجیب از خیانت چند بازیکن که با سرمربی تیم ملی رابطه خوب داشتند، گفت.

کی روش: می خواهند مخل برنامه تیم ملی شوند

کی روش در پاسخ به اظهارات حمید استیلی و واکنش مک درموت در مورد ساختمان پک گفت: ما می‌دانیم این پاسخ‌های هماهنگ شده و یک صدا به مانند ارکستر از کجا آمدند و این ارکستر برای ما چیز جدیدی نیست و همه می‌دانیم که می‌خواهند مخل برنامه تیم ملی شوند. انتقادها باید به سمت افرادی برود که با جبهه فکری خاص خودشان از قصد به دنبال ایجاد شکاف در تیم ملی هستند و می‌خواهند ضربه بزنند. تیم ملی ما ۴۰ سال است در آسیا قهرمان نشده. تیم امید ایران تقریبا ۴۰ سال است به المپیک نرفته. آیا ما باید وقتمان را تلف این بازی کوچک بکنیم؟ آیا فکر می کنید ما باید درگیر مسائل کوچک شویم؟

داستان انتخابات هیئت فوتبال خراسان رضوی بیخ پیدا کرد
شکایت به وزارت

سینا حسینی : یکی از استنادهای همیشگی فدراسیون پنج ستاره فوتبال در مجامع عمومی ، برگزاری بدون نقص انتخابات هیئت های شهرستان ها در زمان بندی قانونی است و مسئولان این مجموعه اصرار دارند که فدراسیون بدون هیچ دخل و تصرفی در جریان برگزاری انتخابات ، از برگزاری مجامع آزاد و مستقل استقبال کرده تا فضای رقابت برای همه علاقه‌مندان باز باشد. اما با مشاهده اتفاقات مرتبط با برگزاری انتخابات هیئت فوتبال خراسان رضوی پیداست که این موضوع شامل حال تمام هیئت‌ها نمی‌شود بلکه برخی شهرستان های کلیدی برای فدراسیون فوتبال چالش هایی را ایجاد می کنند .

اعتراض دست جمعی

انتخابات هیئت فوتبال خراسان رضوی وقتی جنجالی شد که نزدیک به ۱۸ نفر از سوی کمیته سه نفره رد صلاحیت شدند و تنها ده نفر به عنوان کاندیدای نهایی به فدراسیون معرفی شدند.فدراسیون اما از بین این ۱۰ نفر سه نفر را تائید کرد و در نهایت یک نفر را هم به دلیل برخی ارتباطاتش و البته تکمیل مدارکش! به عنوان کاندیدای چهارم تائید کرد تا صدای اعتراض ها بلند شود.
با رد صلاحیت دسته جمعی اعتراض ها به بالاترین حد ممکن رسید. مصاحبه محسن ترکی علیه مدیریت فدراسیون فوتبال آغازگر این اتفاقات بود، البته منتقدان مجموعه هیئت فعلی نیز در شبکه های اجتماعی علیه مسئولان فدراسیون موضع گرفتند تا اوضاع کاملا متلاطم شود، حالا اما خبر می رسد کار بیخ پیدا کرده است و بخش قابل توجهی از کاندیداهای رد صلاحیت شده با اعتراض به وزارت ورزش و جوانان خواستار ورود شخص وزیر به این ماجرا شدند!

استفاده از خرد جمعی

با این وجود طالقانی در گفت و گو با خبرنگار قدس مدعی است که اتفاق خاصی رخ نداده و به زودی تکلیف کاندیداها روشن می‌شود «ان شاء الله به زودی نتایج بررسی ها اعلام می‌شود و تکلیف این انتخابات هم روشن می شود اما اخباری که در محافل خبری مبنی بر اعتراض منتشر شده واقعیت ندارد چون همه فوتبالی هستند و می دانند که ممکن است اختلاف نظر و اختلاف سلیقه وجود داشته باشد.»
عضو هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال در ادامه گفت:«ما درباره کاندیداها باید بنشینیم و با استفاده از عنصر خرد جمعی فرایند تائید صلاحیت ها را انجام دهیم، ممکن است برداشت من با بقیه تفاوت داشته باشد از این رو زیاد مسئله خاصی نیست و به زودی اسامی اعلام می‌شود.»

تاج وارد می شود

اما بر خلاف اظهارنظر طالقانی مبنی بر این که اتفاق خاصی رخ نداده، منابع خبری نزدیک به وزارت ورزش و جوانان مدعی هستند، پس از اعتراض کاندیداهای رد صلاحیت شده به این وزارتخانه حساسیت وزارتخانه دو چندان شده به همین دلیل پیش از آنکه وزیر وارد ماجرا شود مهدی تاج دستور بررسی خارج از نوبت را صادر کرده به همین دلیل به احتمال فراوان تعداد بیشتری از کاندیداها شانس شرکت در انتخابات را خواهند داشت.

شکایت از وقت کشی

با این وجود مهدی زارعی معاون ورزشی اداره کل ورزش و جوانان خراسان رضوی با اشاره به این که فدراسیون فوتبال زمان بسیار زیادی را تلف کرده است ، به خبرنگار قدس می گوید:«ما یک نامه به فدراسیون ارسال کرده ایم که اگر بیش از این وقت کشی کنند شکایت رسمی خود را به وزارت ورزش خواهیم فرستاد تا در خصوص این تخلف به صورت قانونی با فدراسیون برخورد شود.»

مانشافت و ثبت دو رکورد بد تاریخی
چه بر سر آلمان آمده است؟

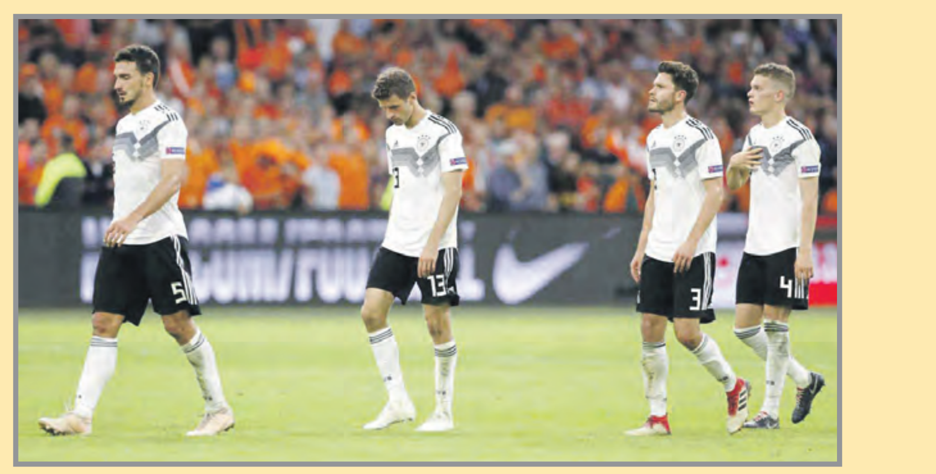

امیرمحمد سلطانپور: قهرمان جام جهانی ۲۰۱۴، با شکست سنگین مقابل هلند در لیگ ملت های اروپا، رکوردهای بدی را از خود به جا گذاشت و نشان داد در یکی از بدترین شرایط چندین سال گذشته خود قرار دارد. ژرمن ها شنبه شب در آمستردام مقابل میزبان خود با نتیجه ۳-۰ مغلوب شدند تا برای اولین بار در تاریخ باشد که نتوانند در سه بازی رسمی پیاپی موفق به گلزنی شوند. برای لاله های نارنجی دیدار مقابل آلمان بازی آسانی بود و گلزنی ویرجیل فن دایک، ممفیس دیپای و جورجینو وایینالدوم طعم این شکست را برای مانشافت تلخ تر از همیشه کرد. از آن جهت تلخ تر چون یوآخیم لو خود در بازی مقابل هلند به رکورد پرسابقه ترین سرمربی تاریخ فوتبال پرافتخار آلمان رسید اما مسلما شب خوشحال کننده ای را پشت سر نگذاشت. در بازار داغ رکوردهای منفی که یکی پس از دیگری برای آلمان ثبت می شوند هلند نیز برای اولین بار موفق شد در تاریخ خود سفیدپوشان را با اختلاف سه گل شکست دهد.
اگر هنوز می خواهید در مورد رکوردهای بدی که آلمان ها در بازی مقابل نارنجی پوشان ثبت کردند بشنوید، پنجمین شکست آن ها در یک سال میلادی را می توان نام برد که فقط دو بار دیگر در تاریخ در سال های ۱۹۵۶ و ۱۹۸۵ تکرار شده بوده و با زمانی که تا پایان سال داریم می تواند با یک شکست دیگر به بدترین سال تاریخ فوتبال آلمان از این حیث بدل شود. البته شاید لازم نیست برای این فاجعه تا آخر سال میلادی صبر کنیم، بلکه همین فردا ژرمن ها باید در پاریس به مصاف مدافع عنوان قهرمانی جهان یعنی فرانسه بروند و بسیاری از همین حالا خروس ها را پیروز میدان لقب می دهند. البته شاید بدترین دستاورد آلمان طلسم سه بازی بدون گل زده باشد؛ جایی که آخرین بار تونی کروس در وقت‌های تلف شده دیدار دراماتیک مقابل سوئد در جام جهانی ۲۰۱۸ بود که موفق شد برای آن ها گلزنی کند. بعد از آن گل مقابل کره جنوبی یک شکست فاجعه بار ۲-۰ داشتند که موجب حذف آن ها از جام جهانی شد، همچنین چند هفته پیش نیز در خاک خود در همین لیگ ملت های اروپا مقابل فرانسه ۰-۰ مساوی به کار خود خاتمه دادند و شنبه شب هم آن اتفاق تلخ در آمستردام به وقوع پیوست.
البته این ها همه شامل بازی های رسمی است چون در این بین آلمان در بازی دوستانه مقابل پرو به پیروزی ۲-۱ دست یافته بود. آمارها و رکوردها شاید بیشتر از بازیکنان و مربیان برای طرفداران اهمیت داشته باشد اما هر چه که هست آلمان باید شرایط بد خود را تغییر دهد. شاگردان یوآخیم لو باید تمام تمرکز خود را برای بازی فردا شب بگذارند تا در پاریس اسیر بحرانی بزرگ تر نشوند.

جوکوویچ مسترز شانگهای را فتح کرد

ورزش: تنیسور صربستانی با شکست حریف کرواتی خود در فینال مسترز شانگهای به قهرمانی دست یافت. در حالی که همه منتظر فینال جوکوویچ مقابل فدرر در تنیس مسترز شانگهای بودند، بورنا کوریچ معادلات را بهم زد و با پیروزی مقابل اسطوره سوییسی تنیس به فینال رسید. فینال این رقابت ها در شرایطی برگزار شد که برخی تصور می کردند تنیسور جوان کروات می‌تواند یک شگفتی دیگر را رقم بزند. با این حال نواک جوکوویچ صربستانی که به نظر می رسد بعد از چند سال به دوران اوج خود باز گشته، توانست در ۲ ست متوالی حریف خود را شکست دهد. جوکوویچ بدین ترتیب فاتح تنیس مسترز ۱۰۰۰ امتیازی شانگهای شد و نشان داد که می خواهد بار دیگر به رده نخست برترین تنیسورهای جهان برسد.

مرگ دبیر کل فدراسیون جهانی بسکتبال در جریان المپیک جوانان

ورزش: پاتریک بائومن، دبیر کل فدراسیون جهانی بسکتبال FIVB و عضو کمیته بین المللی المپیک به دلیل سکته قلبی در سن ۵۱ سالگی در بوینس آیرس در خلال بازیهای المپیک جوانان درگذشت.
به خاطر درگذشت بائومن، کمیته بین المللی المپیک خواستار این شد که پرچم این نهاد در مقر آن و همچنین در محل برگزاری بازیهای المپیک جوانان نیمه افراشته شود.

رئیس کمیته داوران فدراسیون بسکتبال در گفت‌وگو با قدس:
قوی‌ترین کمیته انضباطی هم بدون داوران کاری از پیش نمی برد

علی عبداحد: در حالیکه مسابقات سوپر لیگ بسکتبال از سوم آبانماه جاری با حضور ۱۱ تیم در سراسر کشور آغاز می‌شود، سمینار ۲ روزه داوران بسکتبال کشور که با میزبانی هیئت بسکتبال خراسان رضوی در مشهد تشکیل شده بود به کار خود پایان داد. از سراسر کشور ۱۲۰ داور که می‌باید مسابقات گوناگون لیگ‌های کشوری را قضاوت کنند با مدرسی ورزآبکاریان ، نصرالله جعفریان ، احسان رحیمی سرباز به مرور قوانین جدید داوری و نیز هم آهنگی‌ها و رفع اشکالات پرداختند. در حاشیه برگزاری کلاس‌ها، در فرصتی با ورزآبکاریان ریاست کمیته داوران و مسابقات فدراسیون بسکتبال در مورد مسابقات و حواشی داوری‌ها به گفت‌وگو نشستیم:

این اولین سمینار سراسری داوران است که در مشهد انجام شد، سمینار چگونه بود؟

در گذشته تمام این سمینارها در تهران انجام می‌شد، اما امسال در حرکتی نو این سمینار را خارج از تهران برگزار کردیم. وقتی هیئت بسکتبال خراسان رضوی میزبانی را پذیرفت خوشبختانه این فرصت مهیا شد تا ۱۲۰ داور از سراسر کشور طی مسافت کنند و در مشهد مقدس و در یک میزبانی خوب و نمونه که توسط مجموعه اداره کل ورزش و جوانان و هیئت بسکتبال تدارک دیده شده بود شرکت کنند و جا دارد من به نمایندگی از سوی فدارسیون بسکتبال اعلام کنم که همه چیز در حد عالی بود.

در این گردهمایی داوران کشور از شما چه انتظاراتی داشتند و شما چه خواسته‌هایی داشتید؟

عمده‌ترین درخواست آنها این است که ما بستری فراهم کنیم که آنها بتوانند بیشتر داوری کنند و ما هم تلاش می کنیم این بستر را فراهم کنیم که تشکیل همین سمینار سراسری یک نمونه آن است البته آنان تقاضای وصول مطالباتشان را هم دارند که تقریباً محقق شده و باقیمانده پرداخت خواهد شد. کلاسهای ارتقای دانش و به روز شدن اطلاعات و قوانین جدید و انجام تست‌های فیزیکی و تئوری از خواسته‌های مشترک داوران کشور و کمیته داوران فدراسیون است که در همین سمینار پیگیری شد.انتظار کلی ما هم از داوران این است که یک داور از نظر فیزیکی باید بسیار آماده باشد. دیگر بحث پاک بودن داور است که با تأسف از چند سال گذشته، حرفهایی در اینباره زده می‌شود. اما عقیده درونی من این است که داوران ما پاک هستند و این پاک بودن داوران بسکتبال میراثی ارزشمند است که از داوران بزرگ و قدیمی به ما رسیده است و باید قدر این میراث را بدانیم.

در یکی دو سال گذشته شاهد حواشی در مسابقات بسکتبال و بعضی از داوریها بودیم از جمله پرتاب مواد منفجره و حتی چاقو خوردن بازیکنان و درگیری‌های بازیکن با داور و غیره... امسال برای جلوگیری از ناهنجاریها چه تدابیری دارید؟

گاهی اتفاق و یا سوت‌هایی به اشتباه زده می‌شود که در یورو لیگ هم اتفاق می‌افتد و تمام تلاش ما هم این است که اشتباهات داوری را به حداقل برسانیم. بنا به اهمیت موضوع در اولین جلسه‌ای که من با مدیرعاملان و مربیان باشگاه‌ها در ارتباط با مسابقات لیگ برتر داشتم گوشزد کردیم بخش بزرگی از مشکلات از نیمکت گاهی به لیدرها منتقل می‌شده و این اتفاقات برنامه‌ریزی شده است . آنهم از طرف افرادی که زیاد ورزشی هم نیستند . ما توصیه جدی کرده‌ایم اگر باشگاه‌ها لیدری دارند، این لیدر باید تحت کنترل باشد. اگر ما بتوانیم ثابت کنیم که این حواشی برنامه‌ریزی شده است یقیناً برای افراد خاطی تنبیهاتی تعریف شده است.

شنیده می‌شود که باشگاه‌ها و یا بازیکنان انتظار دارند همانگونه که رأی کمیته انضباطی در مورد آنها اطلاع‌رسانی می‌شود، تنبیهات و محرومیت‌های داوران نیز اطلاع‌رسانی شود.

من در ابتدای همین سمینار بحث تشویق و تنبیه داوران را هم مطرح کردم. وقتی ما بعضی از داوران را از چند جلسه محروم می‌کنیم، این محرومیت یک تنبیه مادی هم هست. من فکر می‌کنم اگر تنبیه داور را رسانه‌ای کنیم به شخصیت آن داور در استانش و یا شهرش لطمه می‌خورد. یکی از موارد تدریس ما این است که می گوییم بعضی وقت‌ها باید کَر باشید و یک لحظه هم باید لال باشید.

خط قرمز تیم ها و عوامل تیم ها از نظر شما چیست و کجاست؟

من داوران را دارم و تمام تصمیمات را داوران می گیرند. من اگر داوران را داشته باشم همه چیز را در اختیار دارم. عقیده من این است که اگر ما قوی‌ترین کمیته انضباطی را داشته باشیم اما من داوران را نداشته باشم، آن کمیته انضباطی هیچ کاری نمی‌تواند بکند و یا مثبت باشد. ببینید در کل طبق آئینامه جامع توهین به داور خطای فنی دارد و فحش دیسکالیفه (اخراج) دارد که در قانون تعریف شده است.

سرمربی تیم‌ملی مدعی شد
داوران یک طلا را از تکواندو ایران گرفتند

مهر: سرمربی تیم ملی تکواندو با تقدیر از عملکرد شاگردان خود در سومین دوره بازیهای المپیک گفت: اگر اشتباهات داوری در روز دوم نبود، رسیدن به سه طلا دور از دسترس نبود. محمدرضا زوار گفت: تکواندو جهان در طول چهار سال گذشته تغییرات زیادی داشته و همین موضوع در رده سنی نوجوانان نیز تاثیرات خود را به خوبی نشان داده است. این دوره از مسابقات نسبت به المپیک ۲۰۱۴ نانجینگ در سطح فنی بالاتری برگزار شد و شاهد پیشرفت قابل توجهی در بین همه کشورهای حاضر بودیم. وی گفت: دوره قبل یک طلا و یک برنز کسب کردیم و در این دوره دو طلا بدست آوردیم که اگر در مبارزه حامد اصغری برابر نماینده آذربایجان داوران آن اشتباه را مرتکب نمی شدند و دو امتیاز قانونی او را باطل نکرده و دو اخطار بی دلیل به او نمی دادند، بدون شک رسیدن به طلای سوم دور از دسترس نبود. احساس می کنم داوری مقداری تعیین کننده بود تا نماینده ما را حذف کنند و حریف کره ای در این وزن طلا بگیرد. چرا که او در کسب سهمیه به اصغری با اختلاف باخته بود.

خبر

بجنورد، میزبان جلسه کانون های خادمیاری ورزشی

ورزش: در راستای ایجاد کانون های خادمیاری ورزش رضوی در استان های کشور دیروز نمایندگی آستان قدس رضوی در بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی در جلسه ای به میزبانی دکتر هاشمی جواهری، مدیرعامل موسسه تربیت‌بدنی آستان قدس رضوی و مسئولان مربوطه بود. این کانون ها در کنار سایر کانون های محلی و تخصصی در جهت توسعه مفهوم خدمت ،خادم و مخدوم در استان ها تشکیل و در حوزه ورزشی به رشد و ارتقای ورزش با فرهنگ رضوی و ترویج اخلاق و معنویت و توسعه ورزش همگانی تلاش خواهند کرد.

چرخش غلامی و کارخانه از مشهد به سمت اردکان
خاتم با خریدهای جدید کهکشانی شد

ورزش: تیم والیبال خاتم اردکان با جذب ۳ بازیکن جدید حالا یکی از مدعیان جدی قهرمانی در فصل جدید به حساب می آید. با اینکه تا روز قبل از قرعه کشی لیگ برتر والیبال در سال ۹۷ اخباری مبنی بر انحلال تیم خاتم اردکان، شگفتی ساز و نایب قهرمان فصل قبل شنیده می‌شد، این تیم در نهایت باهدایت محمدرضا سالک وارد لیگ شد. تصور می شد اردکانی که چند ماه قبل با بازیکنان کمکی قهرمانی در آسیا را هم تجربه کرده بودند، با ترکیبی نسبتا جوان و بومی وارد لیگ شوند؛ اما برخلاف انتظارات مسئولان این تیم در هفته های اخیر بازیکنان سرشناسی را در اختیار گرفتند. بعد از جذب شهرام محمودی و مهدی مرندی، حالا عادل غلامی و قاسم کارخانه که در هفته های اخیر با نماینده مشهد تمرین می کردند، به سمت اردکان تغییر مسیر دادند. این ۲ بازیکن به خاطر عدم توافق مالی از مشهدی ها جدا شده و به خاتم‌اردکان پیوستند. همچنین طیب عینی به عنوان یک سرعتی زن جوان به خاتم ملحق شده است.

برنده سه مدال پاراآسیایی:
ماده ۴۰۰ متر دوی مرگ است

ایسنا: دونده سرعت تیم ملی دو و میدانی که توانست در اولین حضورش در مسابقات پاراآسیایی ۳ مدال کسب کند از شرایط سختی که در دوی ۴۰۰ متر داشت می گوید. هاجر صفر زاده گفت: شرایط خیلی بدی داشتم. برای اینکه بتوانم به مدال نقره برسم مجبور شدم زمین بخورم. ۴۰۰ متر دوی مرگ است. نفر سوم در شرایط بسیار نزدیکی به من بود و می توانست از من عبور کند و برای جلوگیری از این کار مجبور شدم خودم را به زمین بزنم و از خط پایان عبور کنم.

میز نتایج

لیگ ملت های اروپا

هلند ۳ - ۰ آلمان
اسلواکی ۱ - ۲ جمهوری چک
جمهوری ایرلند ۰ - ۰ دانمارک
نروژ ۱ - ۰ اسلوونی
بلغارستان ۲ - ۱ قبرس
گرجستان ۳ - ۰ آندورا
لتونی ۱ - ۱ قزاقستان
ارمنستان ۰ - ۱ جبل الطارق
مقدونیه ۴ - ۱ لیختن اشتاین

ورزش در سیما

دوشنبه ۲۳ مهر لیگ ملت‌های اروپا
اسپانیا - انگلیس
ساعت: ۲۲:۱۵ زنده از شبکه سه

دوشنبه ۲۳ مهر فوتبال لیگ ملت های اروپا
ایسلند - سوییس
ساعت: ۲۲:۱۵ زنده از شبکه ورزش

سه‌شنبه ۲۴ مهر فوتبال دوستانه بین المللی
ایران - بولیوی
ساعت: ۱۹:۳۰ زنده از شبکه سه

سه‌شنبه ۲۴ مهر لیگ ملت‌های اروپا
فرانسه - آلمان
ساعت: ۲۲:۱۵ زنده از شبکه سه

سه‌شنبه ۲۴ مهر فوتبال دوستانه بین المللی
بلژیک - هلند
ساعت: ۲۲:۱۵ زنده از شبکه ورزش

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

رونوشت آگهی حصروراثت
نظربه این که آقای حسن وزیری دارای شناسنامه شماره ۱۶۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۰۵۳۷ ازاین شورا درخواست گواهی ...

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۲۳۴۳ - ۱۳۹۷/۰۶/۳۱ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ...

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

دادنامه

وقت رسیدگی

آگهی حصروراثت

احضار متهم

احسان حسینی‌نسب نویسنده کتاب «مکاشفه در تریلی» در گفت و گو با قدس از کتاب تازه‌اش می‌گوید

روایت پیاده‌روی اربعین «به سفارش مادرم»

ادب و هنر / زمانیان | «در این سال‌ها، مادرم از بین سفرهایی که نمی‌توانست برود، بیشتر از همه سفر به عراق در ایام اربعین را دوست داشت. مادرم زن با اعتقادی است. درست همان‌قدر که من بی‌اعتقادم. مادرم دوست داشت به عراق سفر کند و در هنگامه پیاده‌روی آدم‌ها حضور داشته باشد و بخشی از تاریخی باشد که این سال‌ها در حال رقم خوردن است. اگرچه بخشی غیرمؤثر و اگرچه بخشی که با حضور خود این گردهمایی بزرگ را رونق می‌دهد، اما باشد و به اندازه حضور یک زن پنجاه و چند ساله، این تنور را گرم نگه دارد.... مادرم وقتی شنید که رفقای عکاسم من را به این سفر دعوت کرده‌اند تا با آن‌ها به عراق بیایم و روی عکس‌هایی که آن‌ها از این سفر می‌گیرند، چیزی بنویسم، مشتاق‌تر از همیشه، خواست تا من به جای او به این سفر بروم. من به‌خاطر مادرم به عراق رفتم و نرفتم که روی عکس‌هایی که دوستان عکاسم می‌گیرند، چیزی بنویسم. رفتم که برای او بنویسم. برای مادرم، که نمی‌توانست به این سفر بیاید».

این چند خط بخشی از مقدمه کتابی است که بتازگی توسط «به‌نشر» منتشر شده و به بازار کتاب آمده است.

احسان حسینی نسب در «به سفارش مادرم» ۲۳ روایت از پیاده‌روی اربعین و سفر به عراق را منتشر کرده است. او با مخاطب قرار دادن مادر خود، مشاهدات خود از دیدار با پیاده‌روندگان این مسیر را ثبت کرده است.

گفت‌وگوی ما با این نویسنده در خصوص این اثر و تأثیر مستندنگاری در ادبیات را بخوانید. حسینی نسب پیش از این کتاب «مکاشفه در تریلی» را منتشر کرده بود که روایت سفر کوله گردی (هیچ هایک) او به جزیره زیبای هرمز است.

◆ چه دغدغه‌ای سبب شد شما سراغ نوشتن روایت‌های کتاب «به سفارش مادرم» بروید؟

مهم‌ترین مسئله من برای نوشتن این کتاب، مادرم بود، چون نمی‌تواند به سفر طولانی برود. اما همه این سال‌ها مادرم از من می‌خواست به این سفر بروم و آنچه را می‌بینم، برایش روایت کنم. در نهایت به واسطه تماس دوستان عکاس و دعوت آن‌ها به این سفر رفتم.

◆ رفتن به این سفر و مواجهه با آدم‌ها چه حاصلی برای خود شما داشت؟

گونه خاصی از شیدایی را در زائران دیدم که طبیعتاً خاص امام حسین(ع) و خاص بزرگداشت‌هایی است که مربوط به این امام بزرگوار است و به صورت مردمی برگزار می‌شود. نمونه‌های این حالات را در روز عاشورا، تاسوعا و اربعین هم می‌توان دید. چون می‌خواستم روایت‌هایی از این واقعه ارائه دهم، تلاش کردم در سوژه ذوب نشوم، در غیر این صورت روایت‌های کتاب حتماً زاویه دار می‌شد. اما اکنون مخاطب در این کتاب تنوعی از آدم‌ها را می‌تواند ببیند، در حالی اگر من هم مانند دیگران دچار شیدایی می‌شدم حتماً درگیر فضایی می‌شدم و به سراغ آدم هایی می‌رفتم که کمکی به بالنده‌تر شدن این کتاب نمی‌کرد.

◆ با این تفاسیر راوی‌ها چگونه انتخاب شدند؟

من سراغ آدم‌هایی رفتم که به لحاظ شخصیتی خنثی هستند، مثلاً زنی که بچه‌اش را در حلب از دست داده و یا مردی عراقی که در جنگ ایران و عراق جنگیده است. آدم‌ها با قصه خودشان وارد کتاب شده‌اند، این برای من جذاب‌تر بود تا اینکه حرف‌ها و روایت‌های تکراری مثل «این جا همه چی خوب است...» را بنویسم. روایت هایی که همیشه از این کارناوال شنیده‌ایم و تکراری هستند. به نظرم امام حسین (ع) با عظمتی که در دالان تاریخ دارد نباید این گونه روایت شود.

◆ پس سراغ آدم‌هایی رفتید که تکراری نبودند و قرار نبود حرف‌های تکراری بزنند.

من خودم را سپردم به طبیعت سفر و اجازه دادم جریان سفر من را ببرد! در طول ۱۰ روز از اذان صبح تا شب که در بیابان راه می‌رفتم با آدم‌های زیادی صحبت می‌کردم. در نهایت بهترین قصه‌ها و جذاب‌ترین قصه‌هایی را که برای مادرم جذاب بودند، برای روایت‌های این کتاب انتخاب کردم که در نهایت به تعداد ۲۳ نفر رسید. اما برای صحبت با آدم‌ها برنامه‌ای در ذهنم نداشتم و به دنبال طیف یا گروه خاصی نبودم بلکه طبیعت سفر، من را وارد چرخه گفت‌وگو با افراد می‌کرد.

◆ عکس‌ها چطور انتخاب شد؟

از ابتدا قرار بود روی عکس عکاسان، تولید محتوا صورت بگیرد. در هر لحظه حتماً یک عکاس همراه من بود. بخشی از عکس‌ها مرتبط با متن است و بخشی شامل دیده‌های خود عکاس‌هاست و حاصل تماشای آن‌ها از واقعه است.

در نهایت این کتاب مجموعه‌ای از عکس و متن است و متن‌ها چون در بازنویسی تقویت شد، عکس‌ها کمتر شد.

آنچه می‌خوانید

> من سراغ آدم‌هایی رفتم که به لحاظ شخصیتی خنثی هستند، مثلاً زنی که بچه‌اش را در حلب از دست داده و یا مردی عراقی که در جنگ ایران و عراق جنگیده است.

◆ با توجه به خروجی کتاب و روایت این ۲۳ نفر، اکنون فکر می‌کنید این روایت‌ها چقدر می‌تواند در شناخت بیشتر مردم از پیاده‌روی اربعین کمک کند؟

ماجرای من در نوشتن آدم‌ها و انتخاب آن‌ها کشف نهاد انسانی در سفر اربعین بود. در یکی از روایت‌های من فردی به نام ابومؤید حضور دارد. در شرایط معمولی شاید هیچ وقت سراغ چنین آدمی نروم و گپی هم با او نداشته باشم. اما من در این سفر با انسان مواجه هستم فارغ از هر قضاوتی. من با او گفت‌وگو کردم و درنهایت یکی از برجسته‌ترین راوی‌های این کتاب هم شد. به گمان من برای هر سالک، رهرو و پیاده‌رویی که رفتن به این سفر گوشه‌ای از ذهنش را اشغال کرده و ممکن است برایش جذاب باشد، مطالعه هر چیزی در بسترهایی مثل فیلم، کتاب و یا گپ دو نفره می‌تواند به شناخت بهتر آدم‌ها و اتفاقات این مسیر کمک کند. من همه تلاشم را کردم قرائت تازه‌ای از آدم هایی که به این راهپیمایی می‌روند، به طبقه‌ای که مثل من به این مسیر بی‌توجه هستند، ارائه دهم و بگویم آدم هایی که این جا جمع‌اند متأثر از شرایط، رسانه و فضا نیستند و حضور در این فضا دغدغه بزرگ ذهنی‌شان است. ممکن است این فرد از نظر ما خوب نباشد اما وقتی دو ورق از صفحه زندگی او را می‌خوانیم می‌بینیم چقدر عجیب و گاه دوست داشتنی است. شخصیت «ابو مؤید» مصداق این گفته من است. من در مواجهه اولیه با بی‌رغبتی به سراغ او رفتم اما پس از گفت‌وگو، متوجه شدم دچار قضاوت اشتباهی در مورد گروهی از آدم‌ها بوده‌ام.

خلاصه اینکه در نوشتن این کتاب «من» کمرنگ هستم و مسائل مهم و پررنگ، مادر و مسیر است. مادرم به این معنا که شنونده حرف‌های من است و مسیر مواجهه من با این اتفاق است.

◆ شما با نوشتن این اثر از پیاده‌روی اربعین، مستندی مکتوب ارائه داده‌اید. مستندنگاری در ادبیات چه جایگاهی داد؟

کار مستندنگار کشف تفاوت‌ها و بیان آن به مخاطبی است که فرصت کشف را نداشته است. مستندنگاری‌های جلال را که بخوانیم می‌بینیم جلال مخاطب را وارد برشی از تاریخ می‌کند که امروز امکان و فرصت گذراندن این تجربه‌ها نیست.

اگر کسی دغدغه مستندنگاری داشته باشد، هر جایی از دنیا که اتفاقی دیدنی و یا شنیدنی رخ می‌دهد، باید برود ببیند و آن را کشف و ثبت کند. این وظیفه مستندنگار است. اما فارغ از جذابیت مستندنگاری مهم‌ترین کارکرد این نوع ادبی روایت مکتوب بخشی از تاریخ است. البته در این زمینه آقای قزلی و خانم مرشدزاده حرف‌های شنیدنی بسیاری دارند. خواندن «پنجره‌های تشنه» نوشته مهدی قزلی برای مردمی که نمی‌توانستند همراه ضریح امام حسین (ع) به کربلا بروند حتماً جذاب است. صرف نظر از این جذابیت شاید ۵۰ سال دیگر آیندگان بر اساس این کتاب و مستند نگاشته شده‌اش، در مورد ما و عقاید ما قضاوت کنند.

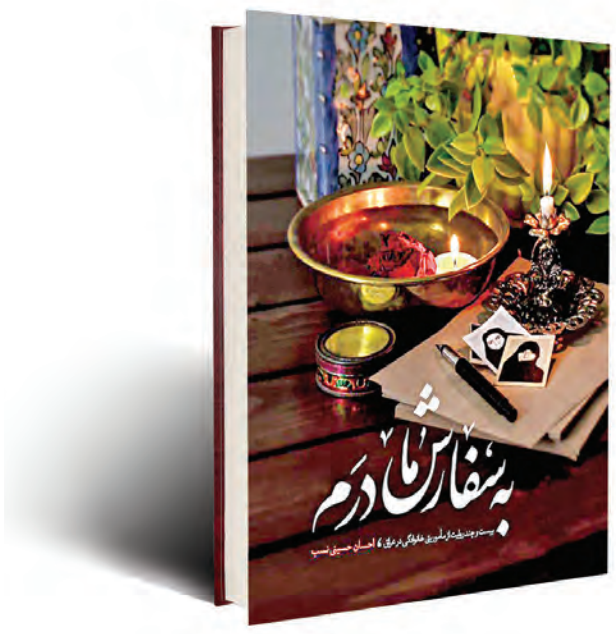

یادداشت

درباره مجموعه شعر «از پیله تا پروانگی» سروده «محمدرضا روزبه»

تو اصلاً شبیه خودت نیستی

آرش شفاعی: آن‌هایی که شعر ایران در دهه ۷۰ را دنبال می‌کردند، به خاطر دارند در سال‌های نخست این دهه نام‌هایی در غزل مطرح شدند که به واسطه چند شعرشان، در سراسر کشور به شاعرانی شناخته شده، بدل شدند و یکی از آن‌ها «محمدرضا روزبه» بود. او که بعدها به سمت ادامه تحصیلات و فضاهای آکادمیک کشیده شد، حضور کمرنگ‌تری در عرصه شعر داشت و در نمایشگاه کتاب امسال بعد از مدت‌ها با مجموعه «از پیله تا پروانگی» که انتشارات شهرستان ادب آن را منتشر کرده است، به صحن علنی شعر امروز ایران بازگشته است.اولین ویژگی این مجموعه که نسبت به کارهای قبلی خود شاعر و نیز مجموعه‌هایی که این روزها منتشر می‌شود، قابل توجه است؛ یکپارچگی قالبی مجموعه است. «از پیله تا پروانگی» به تمامی در قالب نیمایی سروده شده است. این روزها معمولاً کتابی که در تمام آن شاهد یک قالب شعری باشیم، تنها در مجموعه‌هایی که در دو قالب سپید و غزل منتشر می‌شوند، دیده می‌شود و این موضوع درخصوص قالب نیمایی شدیدتر است. کمتر مجموعه شعری در این سال‌ها منتشر شده که شاعر فقط در این قالب سروده باشد. این وحدت قالبی، نشان دهنده این است که «روزبه» تقریباً تمامی فعالیت شاعرانه خود را بر این قالب متمرکز کرده و احتمالاً راه نجات شعر ایران را احیای این قالب می‌بیند که هم پایی در سنت دارد و هم سری در نوگرایی. البته به نظر می‌رسد، در این قالب شباهت‌های زبانی و فضای شعری خیلی بیشتر از قالب‌های دیگر خود را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در برخی از شعرهای همین مجموعه هم می‌توان ردپای جریان رمانتیسم دهه ۳۰ را دید، هم طنین شعرهای چریکی شفیعی کدکنی در دهه ۵۰ و هم نزدیکی به صدای شعرهای قیصر امین پور در دهه ۷۰ را.

ویژگی دیگر این مجموعه این است که در آن با شعری اندیشه‌مند روبه‌رو هستیم. شاید خیلی از مخاطبان فکر کنند، شعری اندیشه‌مند است که حتماً پر از اصطلاحات فلسفی باشد و شرح و تفسیری بر نظرات فلاسفه غرب و شرق؛ درحالی‌که هر شعری که درنگی درباره یکی از مسائل ازلی و ابدی انسان و جهان است، شعری است بر مبنای اندیشه. این شعر مجموعه را ببینید:

خدا را تو ای زندگی چیستی؟ / دمادم ز تو مرگ و خون می‌چکد / تو اصلاً شبیه خودت نیستی!

همین شعر نشان دهنده این است که با شاعری اندیشه‌ورز روبه‌رو هستیم، شاعری که درباره معنای زندگی پرسش می‌کند. ضمن اینکه این شعر را می‌توان با خوانشی فلسفی خواند و به نتایجی رسید و با خوانشی اجتماعی (و سیاسی) هم خواند و به نتایجی دیگر رسید. این مجموعه سعی کرده است به دور خود حصار نکشد و شاعر همواره در شعرش، شاعران امروز را به خاطر بی‌اعتنایی به مشکلات مردم سرزنش کرده است. «روزبه» در شعرهایش از یک سو شاعران را به خاطر فاصله گرفتن از اجتماع و نیز محافل آکادمیک و روشنفکری را به خاطر دور بودن دغدغه‌های فکری‌شان از زندگی و زمانه مردم نقد کرده است و از دیگر سوی خود سعی کرده است در شعرهایش، از نظریات اندیشمندان بزرگ جهانی استفاده کند و حتی در برخی از شعرهای مجموعه، دیدگاه‌های نظریه پردازانی چون‌هایدگر و بارت عیناً به عنوان بخشی از متن شعر نقل شده است. البته در تعدادی از شعرها، انگار شاعر به دام ابراز فضل و نشان دادن حجم اطلاعات خود به مخاطب افتاده است، مانند شعری که در آن با قطاری طولانی از اسم‌های کتاب‌ها و قهرمانان داستان‌های ایرانی روبه‌رو هستیم. به همین دلیل سراینده این مجموعه اگرچه همیشه نگران این است که شعرش دردمند، اجتماعی و متعهد به دغدغه‌های مردم باشد اما همزمان از درغلتیدن به عوامانه‌سرایی و شعری که پسند مخاطبان انبوه را هدف خود داشته باشد، نیز ابا دارد.

شعرهای «از پیله تا پروانگی» همگی دارای ساختمان است، در این مجموعه با شعری به تمام معنا ساخت‌مند روبه‌روییم. شاعر برای همه شعرها طرحی از پیش طراحی شده داشته و می‌دانسته چگونه به پایان‌بندی‌های اغلب خوب شعرهای کتاب برسد. از این منظر با یک مجموعه دقیق، حرفه‌ای و برآمده از یک ذهن کاملاً تربیت شده در شعر مواجهیم و شعرهای این مجموعه را می‌توان حتی به عنوان نمونه‌هایی از شعرهای موفق ساخت‌مند تدریس کرد، اما به نظر می‌رسد این حجم از شعرهای طراحی شده و برنامه ریزی شده در یک کتاب زیاد است. گاهی خواننده به شعرهایی نیاز دارد که جنون‌مندانه دیوارها را بشکند و اسلوب‌ها را در هم بریزد. توقع چنین مخاطبی از کتاب شعرهای دکتر روزبه برآورده نخواهد شد.

جشنواره‌ها

در نشست خبری با حضور امیری اسفندقه و حدادیان تبیین شد

حماسه یمن، موضوع هفدهمین همایش «سوختگان وصل»

باشگاه خبرنگاران: نشست خبری هفدهمین دوره از همایش ادبی «سوختگان وصل» با حضور سعید حدادیان، دبیر همایش و مرتضی امیری اسفندقه در دفتر ادبیات و هنر نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران برگزار شد.

سعید حدادیان در سخنانی عنوان کرد: این همایش در دو بخش شعر و داستان کوتاه و با موضوع حماسه یمن از سوی دفتر ادبیات نهاد برگزار می‌شود. این دفتر از سال ۷۹ تاکنون افتخار داشته در انجمن ادبی‌اش در کنار آقای امیری اسفندقه باشد و در این دوره نیز از حضور ایشان بهره خواهیم برد. در کوتاه‌ترین جمله بگویم که اگر می‌خواهید با کیفیت حماسه یمن آشنا شوید بدانید که فقیرترین کشور، مورد تعدی غنی‌ترین کشور قرار گرفته؛ اما قطعاً نخواهد توانست بر حماسه این مردم غلبه کند.

در ادامه این نشست مرتضی امیری اسفندقه نیز در سخنانی گفت: این همایش‌ها از نخستین روز به همت و عزم آقای حدادیان برپا شده است. این همایش در حلقه چمن دانشگاه و با پیشنهاد ایشان از سال ۷۹ و با حضور شاعرانی از همه جناح‌ها در حال برگزاری است و ما همچنان در موضوعاتی که از اهداف عالیه انقلاب اسلامی است، کار را ادامه می‌دهیم.

وی افزود: شاعران و اساتیدی چون قیصر امین پور، علی معلم دامغانی و سید علی موسوی گرمارودی با ما بودند. ما در این همایش‌ها به تبیین انقلاب و نه کار سفارشی درباره آن پرداختیم.

این تذکر موجب شده آثار جشنواره برخاسته از دل و جان باشد، نه سفارشی و مصنوعی.گفتنی است تا ۱۵ آبان سال جاری دبیرخانه این همایش آماده دریافت آثار خواهد بود و مراسم پایانی نیز ششم آذر ماه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات برگزار خواهد شد.

ادبیات

علی معلم، شاعر «برترین شعر عاشورایی پس از انقلاب» شناخته شد

مهر: کتاب «اربعین مرثیه» برترین اشعار عاشورایی پس از انقلاب اسلامی را به انتخاب شاعران معرفی کرد. شب گذشته طی مراسمی در بنیاد «دعبل خزایی» از کتاب «اربعین مرثیه» شامل برترین اشعار عاشورایی ادبیات فارسی به انتخاب ۴۰ شاعرِ پژوهشگر معاصر رونمایی شد.در این کتاب که در دو بخش تدارک دیده شده است، ۱۲ شعر عاشورایی برگزیده پس از انقلاب اسلامی به رأی و انتخاب داوران معرفی شد که طی آن شعر «روزی که در جام شفق مل کرد خورشید» سروده علی معلم دامغانی به عنوان برترین شعر عاشورایی پس از انقلاب معرفی شد.

تئاتر

«خورشید از حلب طلوع می‌کند» به زینبیه دمشق می‌رود

مهر: «خورشید از حلب طلوع می‌کند» به کارگردانی کوروش زارعی که طی روزهای گذشته در مشهدالحسین شهر حلب و با حضور بازیگران سوری روی صحنه رفت، قرار است از شنبه ۲۸ مهر به مدت هفت شب در مصلای حرم حضرت زینب(س) در دمشق اجرا شود.این نمایش به همت مرکز «مهاد» و در راستای توجه به اشتراکات مذهبی میان دو ملت ایران و سوریه به اجرا در می‌آید. گفتنی است طیف‌های گسترده‌ای از مردم از جمله شیعیان، علمای اهل سنت، علمای مسیحی و ... از این نمایش دیدن کردند.

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

سازمان امور مالیاتی کشور

دراجرای ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب بهمن ماه سال ۱۳۸۰بدینوسیله برگ های تشخیص مالیاتی بامشخصات زیر به مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تاظرف مدت سی روزاز تاریخ درج این آگهی به اداره امور مالیاتی در نشانی مندرج مراجعه و نسبت به حل و فصل پرونده و تسویه حساب مالیاتی اقدام نمایند ، درغیراین صورت طبق موازین قانونی اقدام خواهد شد.

م الف ۲۴۳۸

روابط عمومی امورمالیاتی شهر و استان تهران

ردیف	شماره پرونده	نام و نام خانوادگی مودی	شماره برگ تشخیص	تاریخ برگ تشخیص	منبع مالیاتی	عملکرد سال	درآمدیا ماخذمشمول مالیات (به ریال)	اصل مالیاتی (ریال)	شماره واحد مالیاتی	نشانی اداره امورمالیاتی
۱	۹۴۱	بافندگی مهدی	۲۹۹۹۷	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۸۴۴۶۹۰۲۰	۱۵۳۷۶۹۱۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۲	۹۴۲	داود بختیاری	۳۰۰۰۳	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۶۷۱۷۱۲۷۷	۱۱۹۲۰۸۲۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۳	۹۴۴	پرویز سعیدی منش	۳۰۱۳۱	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۹۳۰۰۸۷۰۷	۱۷۰۸۳۱۴۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۴	۹۵۱	جماعت ا	۳۰۱۳۶	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۱۴۰۳۶۴۷۰۵	۲۸۵۵۶۰۸۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۵	۹۵۲	جواد پاک شهری	۳۰۱۳۴	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۱۸۸۰۶۵۶۳	۲۸۱۸۱۶۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۶	۹۵۳	چاپ ایران کهن	۳۰۱۴۰	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۱۱۲۲۲۴۷۱۷	۲۱۵۲۸۱۲۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۷	۹۵۴	چاپ فارابی	۳۰۱۲۴	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۴۴۸۰۰۰۰۰۰	۱۱۵۲۶۵۶۰۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۸	۹۵۵	چینی فروش	۳۰۱۲۰	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۵۵۱۴۸۹۳۶	۹۵۱۸۷۶۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۹	۹۵۶	حاج داوود	۳۰۱۱۷	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۳۸۴۲۱۰۵۳	۶۱۷۶۵۳۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز
۱۰	۹۵۷	حسین علی پناهی	۳۰۱۱۱	۹۷/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۱	۱۲۸۶۶۱۱۳۲	۲۵۶۳۳۱۲۰	۳۶۰۹۵۱	خ قائم مقام فراهانی نبش خ گلریز

گفت‌وگو با پروانه معصومی که ۳۴ سال پیش در نقش مادر یک جوان روشندل مقابل دوربین رفت

لمس سختی‌های نابینایی در «گل‌های داوودی»

برش

اگر قرار باشد بگوییم که سینما راجع به مشکلات نابینایان کم‌کاری کرده، این کم کاری برای اقشار مختلف صدق می‌کند از معمولان گرفته تا کسانی که اختلالات جسمی و روحی دارند. در این مورد هم مگر قصه خاصی پیش بیاید که کارگردانی برای ساخت تشویق شود

سیما و سینما / زهره کهندل | فیلم «گل‌های داوودی» که ملودرامی عاشقانه از زندگی یک جوان نابیناست، سال ۶۳ به کارگردانی رسول صدرعاملی ساخته شد. این فیلم زندگی جوان نابینایی به نام «جواد» را روایت می‌کرد که عاشق دختر نابینایی می‌شود و در مراسم ازدواجش، متوجه ماجرای دردناک دیگری در زندگی‌اش می‌شود. این فیلم که به زندگی و مسائل یک جوان نابینا می‌پرداخت، در آن سال توانست جوایز زیادی را از آن خود کند «گل‌های داوودی» در سومین دوره فیلم فجر، پنج لوح زرین از هیئت داوران دریافت کرد. همچنین در جشنواره فیلم پیونگ یانگ مقام اول را به دست آورد.

در این فیلم یکی از بازی‌های درخشان را «پروانه معصومی» داشت. او در دهه ۶۰ و در دورانی که سینما و تلویزیون از ستاره سازی دور شده بود و بازیگران شاخص زن و مرد سینما و تلویزیون در دهه قبل یا مهاجرت کرده بودند و یا اجازه بازی نداشتند، تبدیل به یک چهره محبوب و پرکار در سینما و تلویزیون شد و چند بار سیمرغ بهترین بازیگری را به دست آورد. هنوز هم علاقه مندان ملودرام، نقش او را در فیلم «گل‌های داوودی» در نقش مادر جواد از یاد نبرده‌اند. «پروانه معصومی» به خاطر بازی در این فیلم سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن جشنواره سوم فیلم فجر را دریافت کرد. همزمان با روز جهانی نابینایان (عصای سفید) در گفت‌وگو با وی، یادی از فیلم خاطره انگیز «گل‌های داوودی» کردیم که می‌خوانید:

◆ خانم معصومی! فیلم گل‌های داوودی، جزو اولین فیلم هایی بود که پس از انقلاب درباره نابینایان ساخته شد، از تجربه بازی در این فیلم برایمان بگویید که نقش مادر یک نابینا را داشتید؟

مادر به هر حال مادر است چه مادر فرد سالم باشد چه مادر یک معلول، وقتی بازیگری در نقش مادر یک نابینا بازی می‌کند، حس مادرانه بیشتر می‌شود چون تلاش می‌کند که به فرزندش کمک بیشتری داشته باشد در حالی که حس استقلال را از او نگیرد، بازی در این نقش، بسیار سخت بود با اینکه نقش بازی می‌کردم، ولی به نحوی مادر و مدرس بودم چون دلداری دادن و همدردی کردن با فرزند نابینا در شرایط بحرانی بسیار دشوار است.

◆ شما نقش چالش برانگیزی در این فیلم داشتید، نقش مادر یک جوان نابینا، برای نزدیکی بیشتر با این نقش چه کردید، با مادرانی که فرزند نابینا دارند، مواجه شده‌اید تا همذات‌پنداری بهتری با این نقش داشته باشید؟

ارتباط خاصی با خانواده نابینایان نداشتم. آن موقع من خیلی جوان بودم، ۳۷-۳۸ ساله بودم و تجربه آنچنانی نداشتم که روی این موضوع کار کنم. من در فیلم «گل‌های داوودی» بسیار حسی بازی کردم. با اینکه زنی ۳۸ ساله بودم، ولی باید خیلی مسن‌تر بازی می‌کردم چون پسری بزرگ داشتم. مطابق با اختلاف سنی که با پسرم «بیژن امکانیان» داشتم باید گریم می‌شدم. طرز تفکر یک زن ۳۸ ساله با زنی ۵۰ ساله خیلی فرق می‌کند به همین دلیل خیلی برایم مشکل بود تا نقش و آن ارتباط و حس را درآوردم.

◆ همکاری با رسول صدرعاملی چطور بود؟

رسول صدرعاملی، کارگردانی است که به نظر بازیگران اهمیت می‌داد و اگر درست بود حتماً می‌پذیرفت.

◆ تا به حال نقش یک نابینا را بازی کرده‌اید و به نظرتان بازی در این نقش شما را با چه چالش‌هایی رو به‌رو می‌کند؟

من تا به حال چنین نقشی را بازی نکردم، ولی بازی بازیگرانی که نقش نابینا را بازی کردند، دیدم بعضی‌ها خیلی خوب بازی کردند و بعضی هم خوب نبودند برای نمونه پرویز پرستویی در فیلم «بید مجنون» خیلی خوب از پس این نقش برآمد. اگر به من نقش نابینا پیشنهاد شود حتماً قبول می‌کنم چون تجربه جدید و چالش برانگیزی خواهد بود.

◆ گویا سینما نسبت به مشکلات و معضلاتی که بانوان نابینا به آن دچارند، کم توجه است؟

ببینید، اگر قرار باشد بگوییم که سینما راجع به مشکلات نابینایان کم کاری کرده، این کم کاری برای اقشار مختلف صدق می‌کند از معمولان گرفته تا کسانی که اختلالات جسمی و روحی دارند. در این مورد هم مگر قصه خاصی پیش بیاید که کارگردانی برای ساخت تشویق شود وگرنه این قدر مشکلات و معضلات داریم که سینما بایستی به آن بپردازد. مشکلات خیلی زیاد است و سینما می‌تواند به همه آن موارد بپردازد. در مورد نابینایان هم مگر قصه نابینایی باشد که برای سازنده جذابیت داشته باشد، ولی اینکه بالاخص به زندگی نابینایان بپردازیم به نظرم بسیاری از معلولان هستند که می‌خواهند به مشکلاتشان پرداخته شود و سینما به اندازه کافی به آن‌ها نپرداخته است.

◆ شما در این فیلم نقش آفرینی درخشانی داشتید به طوری که سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن جشنواره سوم را به خاطر بازی در این فیلم کسب کردید؟

بله، در سومین دوره جشنواره فیلم فجر، موفق به کسب این جایزه شدم ولی در هر فیلمی که بازی می‌کنم، هرگز به این فکر نکردم که این نقشی که دارم بازی می‌کنم، جایزه بگیرد. اصلاً برای جایزه گرفتن، بازی نکردم. سعی کردم که همیشه نقشم را به بهترین شکل ایفا کنم. من تمام کارهایم را با وسواس انتخاب می‌کنم و رویشان تعصب زیادی دارم. بنابراین همیشه حس خوبی نسبت به کارهایم دارم.

◆ خاطره خاصی از بازی در گل‌های داوودی دارید؟

بازی در این فیلم برای من تجربه متفاوت و لذت‌بخشی بود و هر لحظه آن خاطره بود. بازی در این کار، جذابیت زیادی داشت. به یاد دارم یکی از سکانس‌های فیلم در نیمه شبی اتفاق می‌افتاد که من باید از خواب بیدار می‌شدم و ناگهان به سمت فرزندم می‌رفتم.

قبل از فیلمبرداری به من گفته شد که این سکانس می‌تواند بدون حجاب انجام شود، به دلیل اینکه در خانه و در نیمه شب بود. من با این موضوع مخالفت کردم؛ چون اعتقاد داشتم که باید حجاب خودم را حفظ کنم.

برخی بازیگران می‌گفتند که چگونه در یک صحنه فیلم سینمایی، بازیگر زن با روسری بخوابد؛ اما اعتقاد من این بود که ما باید از اصول پیروی کنیم. اصل یک فیلم و داستان آن مهم است.

رسول صدرعاملی:

«گل‌های داوودی» نخستین عاشقانه بعد از انقلاب است

رسول صدرعاملی، کارگردان شناخته شده کشورمان که کارنامه درخشانی در فیلمسازی دارد، با ساخت فیلم «گل‌های داوودی» در دهه ۶۰، جاپایش را در سینما محکم کرد. او درباره فیلم گل‌های داوودی می‌گوید: ژانر ملودرام یکی از گونه‌های از دست رفته در آن سال‌ها بود که فیلم‌های «گل‌های داوودی» و «مترسک» آغازگر ملودرام در آن سال‌ها بودند.

وی ساخت فیلم «گل‌های داوودی» را تجربه دشواری دانسته و می‌افزاید: برقراری ارتباط عاطفی درست بین جواد و مریم که هردو در فیلم نابینا بودند و دستیابی به اهدافی چون جذب مخاطب و حفظ ارزش‌ها بسیار کار را دشوار می‌کرد. از سوی دیگر، ساخت چنین فیلمی با سرمایه شخصی جرئت زیادی می‌خواست. این کارگردان با بیان این که گل‌های داوودی نخستین عاشقانه بعد از انقلاب است، یادآور می‌شود: ساخت این فیلم نیاز به ترفندهای زیادی داشت که وجود شخصیت‌های نابینا ما را برای دستیابی به بیان عشق پاک یاری می‌کرد.

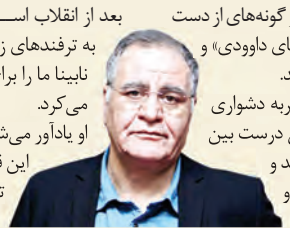

او یادآور می‌شود: اگر تجربیات کنونی خود را داشتم، این قدر به سمت ملودرام نمی‌رفتم، این اثر تبدیل به قصه‌ای جدی و اجتماعی می‌شد.

بیژن امکانیان:

خیلی‌ها فکر می‌کردند من واقعاً نابینا هستم

بیژن امکانیان، بازیگر و تهیه کننده سینما که نقش یک جوان نابینا را در فیلم «گل‌های داوودی» ایفا می‌کرد، بازی در این فیلم را یکی از عوامل مؤثری می‌داند که باعث شد، چهره‌اش در بین خانواده‌ها شناخته شود.

او می‌گوید: همزمان با نمایش این فیلم خیلی‌ها فکر می‌کردند من واقعاً نابینا هستم. «گل‌های داوودی» کار ملودرامی بود که از نظر حسی خیلی روی تماشاگر تأثیر گذاشت و به همین دلیل هم فیلم ماندگاری شد.

امکانیان درباره اینکه چرا گل‌های داوودی در زمان خودش با استقبال مردم روبه رو شد، خاطرنشان می‌کند: این فیلم در زمان خودش ملودرامی نو بود، از سینمای اشک آور هندی فاصله گرفته بود و بخش مهمی از این افتخار نوشته فریدون جیرانی و حاصل کار صدر عاملی بود. صدر عاملی خیلی به احساسات بازیگرها بها می‌داد. برای مثال در یکی از کارهایمان رسول از من خواست برای اجرای نقش داخل چشمم لنز بگذارند، اما نابینایی من با نقش مقابلم که واقعاً نابینا بود شبیه شد و تصمیم گرفتیم بدون لنز و کاملاً طبیعی نابینایی را بازی کنم، تمرین‌هایی بسیار سخت که در نهایت جواب خوبی داد.

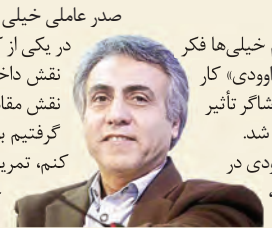

گزارش

مروری بر شخصیت‌های روشندل در سینما و تلویزیون

نابینایان مقابل چشم بینندگان

سیما و سینما: با اینکه در عالم بازیگری ایفای نقش نابینایان مثل نقش‌های معتادان، ناتوان‌های ذهنی و معلولان از نقش‌های دشوار و همچنین فرصتی برای نشان دادن توانایی‌های بازیگر محسوب می‌شود، بازی در نقش نابینا ظرفیت بالایی دارد و چه بسا سبب درخشش استعداد بالقوه بازیگر می‌شود.همچنین پرداخت به این شخصیت‌ها معمولاً در ژانر ملودرام اتفاق می‌افتد و به همین خاطر با درگیر کردن احساسات تماشاگران معمولاً در اکران هم موفق عمل می‌کنند با این همه شمار کمی از این نقش‌ها در سینمای ایران سراغ داریم؛ با هم نگاهی به همین نمونه‌های معدود در سینما و تلویزیون ایران می‌اندازیم.

گل‌های داوودی / رسول صدرعاملی / ۱۳۶۳

ضعفی که تبدیل به قوت می‌شود

«گل‌های داوودی» پس از ۳۵ سال همچنان معروف‌ترین فیلم این فهرست کم حجم است. صدرعاملی این فیلم را در ۳۰ سالگی ساخت. ملودرام با بار عاطفی بالا که توانست مخاطب آن سال‌ها را حسابی درگیر کرد. فیلم خیلی از خانواده‌ها را روانه سینما کرد و بسیار پرفروش شد. «گل‌های داوودی» در همان سال برنده پنج لوح زرین از جشنواره فیلم فجر شد. نابینایی شخصیت اصلی این فیلم در ابتدا نقطه ضعف اوست و بار دارماتیک داستان هم بر همین ویژگی سوار است، اما در پایان جواد بر این ضعف غلبه کرده و با تحولی که درشخصیتش پیدا می‌شود ضعف، استحاله پیدا می‌کند و در پایان داستان تبدیل به قوت می‌شود.

از کرخه تا راین / ابراهیم حاتمی کیا / ۱۳۷۱

نابینایی که افتخار است

نابینایی سعید (علی دهکردی) رزمنده جوان بر اثر ترکش در ابتدای فیلم موضوعی آشنا برای مخاطب است. سعید یکی از جانبازانی است که برای درمان به آلمان فرستاده می‌شوند و وقتی می‌فهمیم نابینایی‌اش قابل درمان است خیالمان راحت می‌شود. گره داستان از جایی شروع می‌شود که نابینایی در مقابلش مشکل کوچکی است. نابینایی در این فیلم نقطه ضعف نیست. برای قهرمان داستان سبب افتخار است که در جنگ نابینا شده و توانسته سهمی در حفظ سرزمینش و افتخار جانباز شدن در راه جهاد و دفاع داشته باشد. با اینکه برای مخاطب آن زمان نابینایی مسئله بغرنج و غیر قابل تحملی است ولی حاتمی کیا نشان می‌دهد که نابینایی کمترین عارضه دردناک ناشی از جنگ برای مردمی است که هشت سال را در دوران دفاع مقدس سر کرده‌اند. سعید با وجود معلولیت توانمند است و با اینکه نابیناست با کسانی که همزبانش نیستند ارتباط برقرار می‌کند. «از کرخه تا راین» هنوز بعد از گذشت ۲۰ سال به عنوان تنها فیلم مطرح درباره جانبازان شیمیایی در میان آثار سینمای دفاع‌مقدس شناخته می‌شود. فیلم در زمان خودش یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سال شد و کمتر کسی بود که با چشم گریان از سالن سینما بیرون نیاید.

به رنگ خدا / مجید مجیدی / ۱۳۷۷

محبت به جای چشم

نکته اصلی فیلم تأکید بر حس لامسه محمد، کودک نابینا بود که در این افراد بشدت قوت می‌گیرد و تبدیل به یکی از اصلی‌ترین راهنمایان زندگی می‌شود. تضاد جذاب فیلم در نابینایی شخصیت اصلی و استفاده از رنگ و تصاویر چشمنواز طبیعی است. نکته قوت فیلم اینجاست که مجیدی جای ناله و مرثیه‌خوانی بر زندگی پر درد و مشقت محمد، شیوه زندگی او و رابطه زیبایش با طبیعت را به‌تصویر می‌کشد.محمد نابینای مادرزاد است. او با وجود سن کم با نظام طبیعت و معلولیتش کنار آمده و کسی که نمی‌تواند با این مسئله کنار بیاید پدر محمد است. انگار محمد بیشتر از چشم به محبت و عاطفه نیاز دارد. مجیدی از این الگو برای تأثیرگذاری ملودرام استفاده درستی کرده است.«به رنگ خدا» هم در جشنواره فجر و هم مجامع بین‌المللی تحسین شد و جایزه گرفت و حتی فیلم برگزیده تماشاگران جشنواره فجر هم شد. «به رنگ خدا» فروش داخلی خوبی داشت و از نظر آمار فروش جهانی هنوز از رکورددارن است.

بید مجنون / مجید مجیدی / ۱۳۸۳

هیچ چیز بی‌حکمت نیست

مجیدی در این فیلم بار دیگر سراغ موضوع کوری رفت و نمایش فیلم در جشنواره فجر سروصدای زیادی به راه انداخت. مجیدی نگاه فلسفی به نابینایی داشت و حرف فیلم این بود که خداوند بی‌حکمت کاری نمی‌کند و برای بعضی‌ها کوری نعمت است!صحنه بازگشت بینایی و دیدن اولین تصاویر از لحظه‌های جالب این فیلم است که با بازی خوب پرویز پرستویی ماندگار شده است. این نقش برای پرویز پرستویی سومین سیمرغ بلورین جشنواره فجر را به همراه داشت و برای مجیدی هم چندمین سیمرغ بلورین بهترین فیلم و کارگردانی. «بید مجنون» در مقایسه با آثار دیگر مجیدی به‌خاطر مضمون تند و تیز و پایان ناامیدکننده چندان که باید مورد استقبال عمومی واقع نشد.

روزهای زندگی / پرویز شیخ طادی / ۱۳۹۰

غلبه بر ضعف

«روزهای زندگی» ماجرای امیرعلی (حمید فرخ‌نژاد) و لیلا (هنگامه قاضیانی) زوج پزشک را روایت می‌کند که زندگی‌شان را وقف جنگ کرده‌اند. سال‌هاست در بیمارستان صحرایی در جبهه جنوب کار می‌کنند و به آنجا و شغلشان وابسته شده‌اند. در جریان یک حمله غافلگیرکننده، امیرعلی بر اثر اصابت ترکش نابینا می‌شود. اول خودش را می‌بازد، ولی بعد با کمک لیلا حتی موفق می‌شود مجروحی را جراحی کند. «روزهای زندگی» به‌خاطر جلوه‌های ویژه و بازی‌های خوب حمید فرخ‌نژاد و هنگامه قاضیانی در جشنواره فجر مورد استقبال واقع شد و توانست پنج سیمرغ بلورین کارگردانی، بازیگر زن، فیلمبرداری، جلوه ویژه و چهره‌پردازی کسب کند. فیلم «سجده برآب» به کارگردانی حمید خیرالدین و نویسندگی صادق کرمیار در ۱۳۷۵ و «چشمان سیاه» ساخته ایرج قادری در سال ۱۳۸۱ آثار دیگری بودند که در سینما با محوریت شخصیت‌های نابینا ساخته شدند، اما به اندازه فیلم‌های دیگر مورد توجه قرار نگرفتند.

سفر سبز / محمدحسین لطیفی / ۱۳۸۰

آرامش به خاطر ایمان

سفر سبز از سریال‌های معروف مناسبتی بود که در ماه محرم روی آنتن تلویزیون رفت. دانیل وسپرگ (پارسا پیروزفر) از آلمان به ایران آمده و به‌خاطر خواب‌هایی که می‌بیند دنبال مادر و پدرش می‌گردد و بعدها متوجه می‌شود والدینش زن و شوهری مبارز بودند که اوایل انقلاب شهید شده و او را به اکرم (آزیتا حاجیان) سپرده‌اند. کسی که در این ماجرا به دانیل کمک می‌کند، حاج رضا (امین تارخ) بازاری مذهبی و معتقد است که یک دوست کشیش دارد. آنا (لادن مستوفی) دختر کشیش نابیناست و در ایام محرم با توسل به امام‌حسین(ع) در روز عاشورا شفا پیدا می‌کند. نابینایی موضوع اصلی سریال نیست ولی از آن به عنوان تبلیغ دین اسلام استفاده شده است. آنا شخصیت نابینای این سریال آدم ناتوان و ناراحتی نیست و خیلی هم آرامش دارد و این به‌خاطر ایمان قوی اوست.

هزاران چشم / کیانوش عیاری / ۱۳۸۲

یک ویژگی خاص

عیاری «هزاران چشم» را در ۱۳ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای اپیزودیک ساخت. در این سریال عیاری مستقیماً مسئله نابینایی را نشانه گرفته، ولی آن را مشکل اساسی داستان قرار نداد. داستان درباره راوندی (مهدی هاشمی) دبیر تحریریه نابینای یک نشریه اجتماعی است که با خوانندگانش مکاتبه دارد. مردم مشکلاتشان را برایش می‌نویسند و هربار خودش را جای آن‌ها تصور می‌کند. راوندی به دلیل نابینایی احساسات و تخیل قوی دارد و به‌خاطر معلولیتش به تخیل رو آورده است. او با اینکه نابیناست جای همه می‌بیند و نام «هزاران چشم» از همین ویژگی وام گرفته شده است. راوندی یک نابینای توانمند است که هم مشکلات خودش را حل می‌کند هم مشکلات مردم را. در واقع عیاری جوری به این شخصیت پرداخته که نابینا بودنش نه به یک معضل و معلولیت بلکه به ویژگی خاصی تبدیل شده است.

خبر

نهمین جشنواره مردمی سینمای ایران با معرفی دو بخش جدید در تورقوزآباد، منزل شهید «محمد فاطمیه مفرد» کلید خورد

«عمار» / سکانس اول / تورقوز آباد

فارس: نشست رسانه‌ای نهمین جشنواره مردمی فیلم و عکس عمار بعد از ظهر دیروز با حضور سید رسول منفرد، وحید جلیلی، نادر طالب زاده در روستای تورقوزآباد برگزار شد.

در ابتدای این نشست منفرد دبیر اجرایی جشنواره عمار در گزارشی گفت: یکی از اهداف جشنواره عمار همواره این بوده است که سهم ویژه‌ای از فعالیت خود را داخل شهرستان‌ها داشته باشد.

از دیگر کارهای انجام شده «سینماسنگر» بود که در منطقه هویزه برپا شد و مورد استقبال گسترده‌ای قرار گرفت. در نوروز سال گذشته هم در بسیاری از شهرستان‌های کشور به صورت اکران مردمی، نمایش آغاز جشنواره عمار را داشته‌ایم.

وی ادامه داد: دیگر کاری که در حاشیه جشنواره عمار در ادامه صورت گرفت، برگزاری اردوهایی سینمایی بود. شهرستان آباده، نهاوند، شیراز و کازرون از جمله شهرستان‌هایی بودند که در یک سال گذشته فعالیت بسیاری داشتند. در سال گذشته همچنین گعده‌هایی برای اهالی هنر و سینما شکل گرفت که در این بین نکات خوبی مطرح شد.

طالب‌زاده دبیر نهمین جشنواره مردمی عمار هم در ادامه خاطرنشان کرد: من قبل از این که صحبت کنم، می‌گویم که خیلی متاسفم که حکم آقای حسن عباسی قطعی شد. آقای عباسی در این مدت بارها و بارها به دادگاه رفت و تبرئه شد، نمی‌دانم امروز چرا حکم اعلام شد. عمار اگر عمار است، برای مطرح کردن همین مسائل و موضوعات است. امسال نهمین دوره عمار است و ما در حال مشاهده بلوغ این جشنواره هستیم. امروز باید جشنواره عمار را به خارج از حوزه مرزهایمان ببریم.

وی افزود: نتانیاهو کاری جعلی انجام داد، کاری که همواره بلد است که انجام بدهد. بزرگترین دروغ، حادثه ۱۱ سپتامبر بود و این دروغی که درباره موضوع تورقوزآباد مطرح شد نیز پیرو همین موضوع است.

وحید جلیلی مسئول شورای سیاست‌گذاری جشنواره ملی فیلم عمار نیز بیان کرد: ما امسال شروع فعالیت های جشنواره عمار را در خانه شهید فاطمیه مفرد قرار داده‌ایم. اگر امروز جشنواره عمار توانسته است جایگاه ویژه‌ای به دست آورد به برکت نفس مادران و پدران شهدا است.

وی افزود: امسال در جشنواره دو بخش اضافه شده است. بخشی به عنوان فیلم‌های سفارشی داریم؛ متاسفانه کلیدواژه‌هایی که در سینمای کشور در طی سالهای گذشته رواج داده شده است، نسبتی با سینمای ایران ندارد، یکی از این کلید واژه‌ها سینمای سفارشی است. برخی از فیلم‌های سینمای ایران، فیلم‌های سیاهی است، چه کسی است که نداند بخشی از فیلم‌های سینمای ایران با اشاره کشورهای غربی ساخته می‌شود؛ اما وقتی یک فیلمساز انقلابی فیلم درباره انقلاب اسلامی می‌سازد برچسب سفارشی بودن به او می‌زنند.

مسئول شورای سیاست‌گذاری جشنواره فیلم عمار ادامه داد: یکی دیگر از ویژگی‌های امسال تلاش برای دسترسی به مخاطب بین‌المللی است، امسال افتخار داریم که بگوییم طی ارتباطی که با شیخ زکزاکی رهبر شیعیان نیجریه برقرار شد، ایشان جایزه‌ای را تعیین کردند که در عمار اهدا خواهد شد. از مردم می‌خواهیم که دغدغه های خودشان را به فیلمسازان دغدغه‌مند منتقل کنند که این دغدغه ها تبدیل به فیلم و اثر هنری شوند.

در ادامه این نشست، ارتباط مستقیمی با نیجریه و غزه برقرار شد و گزارشی از برگزاری جشنواره عمار در این کشورها اعلام شد.

جلیلی بیان کرد: از آقای نتانیاهو تشکر می‌کنیم که ما را با روستای زیبای تورقوزآباد آشنا کردند. امیدوارم این نشست سندی شود تا دروغ‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی مشخص شود.

وی اظهار داشت: جشنواره فیلم عمار جایگزین هیچ جشنواره‌ای در کشور نیست، واقعیت این است که ظرفیت سینما بیش از آن است که بخواهیم آن را در چند جشنواره محدود کنیم. به نظرم تا چند سال آینده فیلمسازان جوان دیگر وارد حوزه سینما خواهند شد که این موضوع باعث یک تحول عظیم خواهد شد.

وقفه در ساخت «سلمان فارسی» به علت بیماری داوود میرباقری

باشگاه خبرنگاران: امرالله احمدجو نویسنده مجموعه «سلمان فارسی»از توقف مراحل ساخت این اثر به دلیل بیماری کارگردان آن خبر داد.

امرالله احمدجو نویسنده مجموعه‌های تلویزیونی با اشاره به روند پیش تولید سریال«سلمان فارسی» گفت: پیش تولید سریال سلمان فارسی تدارک مفصل و سنگینی دارد که زمان بسیاری از گروه کارگردانی را می‌گیرد. وی ادامه داد: همزمان با مراحل پیش تولید سریال، داوود میرباقری برای جراحی عمل قلب چند روزی در بیمارستان بستری شد که خدا را شکر این عمل موفقیت‌آمیز سپری شد و در حال حاضر حال او خوب است و به ادامه پیش تولید می‌پردازد.

احمدجو گفت: ساخت مجموعه تلویزیونی «سلمان فارسی» پروژه سنگینی است که بعید می‌دانم امسال کلید بخورد و این وقفه، ضرری برای روند پیش تولید نداشت.

سریال «لاک قرمز» هم ساخته می‌شود

مهر: سریال «لاک قرمز» به کارگردانی سید جمال سیدحاتمی و تهیه‌کنندگی کامران مجیدی در ۳۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای برای شبکه پنج سیما تولید می‌شود.

این سریال که در ادامه نسخه سینمایی این اثر ساخته می‌شود و نقش اصلی آن را دختر خانواده بازی می‌کند که بعد از فروپاشی خانواده‌اش سعی دارد تا آن‌ها را دور هم جمع کند و در آخر خود یکی از کارآفرینان برتر کشور می‌شود.

«لاک قرمز» مضمونی اجتماعی دارد و درباره خانواده، ارتباط والدین با فرزندان و مشکلات جامعه است.

قصه سریال «لاک قرمز» با سینمایی آن متفاوت است و موضوع قاچاق کالا در آن پررنگ‌تر است. محتوای اصلی قصه، ضررهای قاچاق کالا و تأثیر مخرب آن روی خانواده‌هاست و تلاش یک انسان برای امرار معاش و نجات زندگی خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد.

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه
۱۶ دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۷
۵ صفر ۱۴۴۰ | ۱۵ اکتبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۰۶

کلیدها

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

از خودت شروع کن!

اگر کلیدهای ساختمانی دست ما باشد، در برخورد با درهای بسته‌اش نگران نمی‌شویم. می‌گردیم و کلید مناسب را می‌یابیم. اسم‌ها و تعبیرها و جملات، کلیدهای ما برای فهم و تعامل با دنیا هستند و همه گشایش‌ها با همین کلیدها اتفاق می‌افتند. اگر کلیدها را درست بشناسیم و به کار ببریم، پشت درهای بسته نخواهیم ماند. اینکه مدام منتظر گشایش‌های موهوم هستیم به این خاطر است که گشایش‌های واقعی را نمی‌شناسیم و با کلیدهای درست وارد میدان نشده‌ایم. هر کسی در جهان خود امکاناتی دارد که اگر به کار بگیرد توانمند خواهد شد. همه ما در خانه اتاقی داریم که درست مرتب نشده است، همه ما دوستانی داریم که رابطه ما با آن‌ها دچار سوءتفاهم شده است. همه ما بحران زده‌ایم و همه ما توان حل این بحران‌ها را داریم، فقط روش‌ها و راه‌ها را نمی‌شناسیم. فقط کلیدها را درست به کار نمی‌بریم، جاده پر فراز و نشیب برای راننده ماهر و محتاط لذت‌بخش است و برای راننده گیج و خسته و نابلد، خطر آفرین و خسته کننده. یک معلم باتجربه و مهربان خوب می‌داند با هر بچه‌ای چطور حرف بزند تا حرف را بشنود حتی همان بچه‌ای که ممکن است پدر و مادرش در برابر او درمانده شوند. مسئله در شناخت و استفاده درست از کلیدهاست، مسئله در مهارت‌ها و توجه‌هاست.

ریزبافت زندگی پر از امکان‌های ایجاد نشاط و قدرت است، تماشای دقیق زندگی و توجه به معنای درست کلمه، آدمیزاد را زنده نگه می‌دارد و به او امکان می‌دهد با هر وضعیتی بسازد و در هر وضعیتی رشد کند. باید بدانیم چه می‌خواهیم و باید لوازم و تبعات این خواستن را بشناسیم.

برادر کوچکم یک سال در درسش عقب مانده بود و نزدیک بود مردود شود. پدرم که نگران این وضعیت بود مدام با او دعوا می‌کرد. به پدر گفتم: نگران نباش و این ماجرا را به من بسپار. با برادرم صحبت کردم و برای خواندن درس‌ها قراری با او گذاشتم.

او که این قرار خوب را دید در همان زمان‌های کوتاه به خوبی درس خواند و بقیه وقت را مدام بازی کرد و خوش گذراند. روز اعلام نتایج خودش هم باورش نمی‌شد که مثلاً در درس ریاضی ۱۷ گرفته باشد. نشناختن، دلیل همه ابتلاهای ماست و شناخت و عمل مبتنی بر شناخت کلید همه گشایش هاست. کسی که شناخت درست داشته باشد از خودش و از خانه خودش شروع می‌کند، چرا که راه حل همه مشکل‌ها اینجاست.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

نسل زیر آب

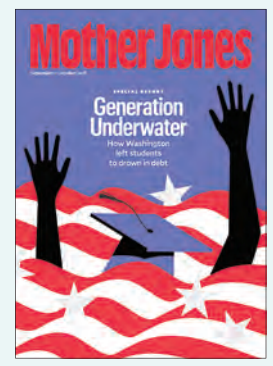

نشریه سیاسی مادرجونز که هر دو ماه یکبار به چاپ می‌رسد، در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی به شرایط نامساعد دانشجویان در آمریکا پرداخته است. این مجله با طراحی هوشمندانه یک دانشجو که در حال غرق شدن در دریایی به شکل پرچم آمریکاست، در پرونده خود با عنوان «نسل زیر آب» سیاست‌های غلط آموزشی واشنگتن را مورد انتقاد قرار می‌دهد که موجب شده در چند سال گذشته بسیاری از دانشجویان زیر بار قرض شدید مالی برای پرداخت هزینه‌های مربوط به دانشگاه‌های محل تحصیل خود بروند.

آیا ارزشش را داشت؟

ماهنامه هیستوری در پرونده‌ای به مناسبت صدمین سالگرد پایان جنگ جهانی اول به این رویداد مهم در تاریخ بشر می‌پردازد. این نشریه در گزارش خود با عنوان «آیا ارزشش را داشت؟» این جنگ عظیم را که به مدت چهار سال از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ ادامه داشت و به جز ۴۰ میلیون نفر کشته و زخمی، موجب تغییرات گسترده در امپراتوری‌ها و کشورها شد، از چندین منظر زیر ذره‌بین برده است. هیستوری مقاله‌هایی نیز در مورد آنگلو ساکسون‌ها، چرچیل، توماس کرامول و آبراهام لینکلن به چاپ رسانده است.

بزدلیِ یک پاپ!

نشریه نشنال رِویو در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی به وضعیت بغرنج و بحرانی پاپ فرانسیس پرداخته است. این نشریه در پرونده خود با عنوان «بزدلی پاپ» فرانسیس را یکی از عوامل اصلی بالا رفتن بحران فساد اخلاقی در مراکز مختلف کلیسای کاتولیک ارزیابی کرده، اما تأکید دارد مشکل اخلاقی کشیشان تنها مشکل کلیسای کاتولیک نیست، بلکه فساد سیستماتیک اقتصادی در تار و پود واتیکان بخصوص در جریان فساد بانک واتیکان بود که چهره مثبت کلیسای کاتولیک را از بین برد.

گزارش از شخص

یک شهید، دو مزار!

نگاهی به زندگی و مبارزات شهید محراب «آیت الله اشرفی اصفهانی»

ایستگاه/ مجید تربت زاده

بگذارید این گزارش، خلاف آمدِ عادت بشود وقتی که سوژه‌اش فقیه، عالِم و امام جمعه‌ای است که در ۸۰ سالگی، هنوز انگار شور جوانی در رگ‌هایش جریان دارد و اشتیاق شهادت از چشم‌هایش می‌بارد. همه خانه و زندگی، دفتر کار و دار و ندارش با پول امروز، چند میلیونی بیشتر نمی‌ارزد و میان سبکِ زندگی سال‌های طلبگی و روزهای فقاهت، اجتهاد و امام جمعه بودنش، تفاوت چندانی به چشم نمی‌خورد. یعنی در نوشتن از شهید آیت الله اشرفی اصفهانی ممکن است هیچ چیز این مطلب به یک گزارش با اصول و قواعد گزارش نویسی مرسوم، شبیه نباشد.

عجب جای خوبی است

امام جمعه کرمانشاه بود، اما در وصیتنامه کتبی و شفاهی‌اش گفته بود مرا در قبرستان «تخت فولاد» اصفهان دفن کنید. قبرستانی که برخی‌ها قدمت آن را بیشتر از ۱۰ قرن می‌دانند و برخی دیگر نشانه هایی از دوران پیش از اسلام را نیز در آن یافته‌اند. فرزندش می‌گوید: «ایشان خیلی به تخت فولاد اعتقاد داشتند... هر بار که به اصفهان می‌آمد، حتماً به تخت فولاد می‌رفت و می‌گفت کسانی در این تخت فولادند که اگر گوش خود را بر قبر آن‌ها بگذاری صدای «الله اکبر» می‌شنوی... بعد از اینکه ایشان را در گلستان شهدای اصفهان دفن کردیم یکی از دوستان به ما گفت: آیا حاج آقا به شما گفته بودند که مرا در این قسمت از گلستان شهدا دفن کنید؟ گفتیم: نه ایشان وصیت کرده بود که مرا در گلستان شهدا به خاک بسپارید، اما محل خاصی را مشخص نکرده بودند... آن برادر گفت: حدود یک ماه قبل وقتی با حاج آقا برای زیارت قبور شهدا به اینجا آمدیم، دقیقاً در همین محل که او را دفن کرده‌اید، ایستادند و گفتند: اینجا عجب جای خوبی است... من از اینجا بوی بهشت استشمام می‌کنم... اگر من لیاقت پیدا کردم مرا همین جا دفن کنید...».

امیدوارم چهارمی باشم

گاهی جو و جبر زمانه بود که جوگیرمان می‌کرد، هوایی می‌شدیم و همرنگ جماعتی که شب و روزشان را در جبهه‌های جنگ، در شهرها زیر باران موشک و بمب و در خطر ترورهای کور می‌گذراندند، ما هم حرف از شهادت می‌زدیم و شعار می‌دادیم.گاه اما توی دلمان اتفاقی افتاده بود. خبری از جایی رسیده بود. عطر و بویی بهشتی، هوایی مان کرده بود. می‌دانستیم اگر در ۸۰ سال گذشته خبری نشد، اگر از یورش مأموران ساواک که ناغافل می‌ریختند و تو را با هرچه داشتی و نداشتی می‌بردند، در امان ماندی؛ اگر در راهپیمایی‌های دوران انقلاب، پیشاپیش جمعیت گلوله‌ای به سینه ات ننشست؛ اگر تیر منافقین یکی دو باری به سنگ خورد؛ اما درِ باغ شهادت هنوز به رویت باز است. آیت الله اشرفی اصفهانی توی دلش خبری بود. از جایی بوی بهشت را استشمام کرده بود و این را می‌شود در ویدیوی آخرین مصاحبه تلویزیونی‌اش، درست یک هفته پیش از شهادتش دید و شنید: «بنده اولاً که خود را لایق شهادت نمی‌دانم... مقام شهادت یک مقامی است که همه کس نصیبش نمی‌شود... یک نوبت... منافقین می‌خواستند که ما را هدف قرار بدهند، ماه مبارک رمضان بود و افتخاری دیگر از این بالاتر نبود... در حال طهارت، رفتن به طرف خانه خدا و در حال روزه... این افتخاری بود برای ما... لیک نشد و ما تسلیم قضا و قدر الهی هستیم... با این حال امیدواریم ما چهارمین شهید محراب باشیم و خداوند از ما بپذیرد و در آن حال اخلاصی هم باشد... مکرر گفته‌ام اگر خداوند شهادتی نصیب ما کرد، در این است که ایمان ما ثابت باشد، یعنی ثابت قدم باشیم... هدف‌مان از شهادت این نباشد که بعد از کشته‌شدنمان، مثلاً بگویند جزو شهداست؛ هدف خدا باشد و منظور خدا باشد...».

ذرت برشته

«عطاالله اشرفی اصفهانی» پس از اینکه سال ۱۲۸۱ در «سده» اصفهان یا همان «خمینی شهر» فعلی به دنیا آمد، درس و مدرسه مقدماتی را هم در زادگاهش تمام کرد و در ۱۲ سالگی به اصفهان رفت تا به سبک و سیاق طلبه‌های آن روزگار ادامه تحصیل بدهد. کتاب «نصاب الصبیان» را من و شما ندیده و احتمالاً نخوانده‌ایم. ظاهراً کتابی است که معنی واژه‌های عربی را با شعر بیان کرده و برای هر واژه هم چند مترادف آورده است. می‌گویند «عطاالله» حافظه‌ای قوی داشت و در ۹ سالگی بیشتر این کتاب را از حفظ کرده بود. نوجوان خوش حافظه ۱۰ سال در اصفهان ماند تا دروس ادبیات، سطح فقه و اصول و همچنین یک دوره درس خارج اصول را نزد استادان بنام این شهر بیاموزد. پس از آن به قم رفت تا نزد آیت‌الله حائری و سپس حجت، محمد تقی خوانساری، آیت‌الله سید صدرالدین بروجردی،سید حسین طباطبایی بروجردی و امام خمینی(ره) سطوح عالی و اجتهادی را بخواند. ۲۰ سال اقامت او در حوزه علمیه قم که با تحصیل و تدریس همراه بود، بسادگی نگذشت. زندگی دوران عالِمی و اجتهادش تفاوت چندانی با دوران طلبگی‌اَش نداشت. دورانی که خودش درباره آن گفته بود: «... دوشنبه خوراکم تمام می‌شد...سه شنبه دو ریال پولم را خرج می‌کردم، چهارشنبه که آخرین روز تحصیل بود بدون پول و غذا می‌گذراندم... زمانی در حجره‌ای با سه نفر دیگر در مدرسه نوریه اصفهان زندگی می‌کردیم، بسیاری از روزها نه چای داشتیم نه نفت و نه قند. برای مطالعه در شب از نور چراغ نفتی توالت‌های مدرسه استفاده می‌کردم... در روزهای جمعه به یکی از مساجد دور افتاده اصفهان می‌رفتم و از صبح تا عصر در آن مسجد درس‌های یک هفته را دوره می‌کردم.در مدت دوازده ساعتی که آنجا مطالعه می‌کردم غذای من فقط مقداری دانه ذرت برشته بود».

ما آماده ایم

در اسناد «ساواک» و پرونده‌ای که برایش تشکیل داده بودند، قید شده که «عطاالله اشرفی اصفهانی» گفته است: «امروز روزی نیست که ما بخواهیم در مقابل این رژیم جنایتکار سکوت بکنیم... ما نباید در ارتباط با دستگیری آقای خمینی آرام بنشینیم». از ۳۳ سالگی به توصیه آیت الله بروجردی به کرمانشاه می‌رود اما ارتباطش با قم و همچنین با رخدادهای سیاسی و جنبش‌های مختلف قطع نمی‌شود. پس از حادثه ۱۵ خرداد فعالیت‌های دامنه‌داری را در استان کرمانشاه برای آشنایی مردم با نهضت آغاز می‌کند و پس از اینکه خبر دستگیری امام(ره) منتشر می‌شود، برای ارتباط با دیگر علما و انقلابیون به تهران می‌آید. سال ۵۶ با آغاز راهپیمایی‌های دوران انقلاب، کرمانشاه نیز با وجود فشارها و اختناقی که در آن وجود دارد با تلاش آیت‌الله اشرفی اصفهانی رنگ و بوی انقلابی به خود می‌گیرد و پس از برگزاری مراسم بزرگداشت شهدای قم، تبریز، یزد و... مردم کرمانشاه به خیابان‌ها می‌ریزند. سال ۱۳۵۷ در حالی که پیشاپیش مردم در تظاهرات حرکت می‌کرد، با هجوم مأموران گارد که چند نفر را شهید و مجروح می‌کنند، دستگیر و به تهران منتقل می‌شود. چند روزی را در سلول انفرادی می‌گذراند و به دنبال اعتراضات شدید مردم و بعضی از مراجع تقلید و ترس از اغتشاش در شهر و منطقه، رژیم مجبور می‌شود او را آزاد کند. یکی از مقامات ساواک بعدها او را احضار کرده و تهدید به قتل می‌کند. آیت‌الله اما پاسخ می‌دهد: ما آماده هستیم... شما هم که قدرت دارید، هر چه خواستید بکنید... ما همچنان در راهپیمایی شرکت خواهیم کرد.

محقرانه

اینکه اول مطلب گفتیم «در ۸۰ سالگی، هنوز انگار شور جوانی در رگ‌هایش جریان دارد و اشتیاق شهادت از چشم‌هایش می‌بارد» نه غلو بود و نه تجلیل از پیرمردی که جوانانه، سر به دنبال شهادت گذاشته بود. جبهه و جنگ فقط مختص خطبه‌های نماز جمعه‌اش نبود و به تفنگی که حین خطبه خواندن در دست می‌گرفت خلاصه نمی‌شد. هر از چندی با لباس رزم و با ۸۰ سال سن، در جبهه‌ها حاضر می‌شد، برای رزمندگان سخنرانی می‌کرد، مراسم دعا راه می‌انداخت، امام جماعت نمازشان می‌شد و برای عملیاتی که در پیش بود رمز عملیات «یا زهرا» را انتخاب می‌کرد. نه اصرار و هشدارهای فرماندهان مبنی بر خطرناک بودن منطقه جنگی، سن و سال بالا و... در او اثر داشت و از رفتن به جبهه‌ها منصرفش می‌کرد و نه تهدیدهای تلفنی منافقین و ترورهای ناموفق شان سبب می‌شد سنگر نماز جمعه و ایستادن کنار مردم کرمانشاه و رنج هایشان را رها کند. همان‌طور که امامت جمعه، نمایندگی ولی فقیه در یک استان و اختیاراتی که داشت، نتوانست او را قانع کند تا دست از زندگی بسیار ساده و حتی محقرانه‌اش بردارد. آن قدر محقرانه که وقتی گروهی از مردم کرمانشاه داوطلبانه خانه ارزان قیمتی را برای امام جمعه شهرشان آماده کردند، امام(ره) که خودشان بشدت اهل ساده زیستی بودند، نیز به او گوشزد کرده بودند که: طبق خبرهای رسیده، ظاهراً خانه شما در شأن امام جمعه شهر نیست! خبر را فرماندهان و مسئولان وقت کرمانشاه به گوش امام (ره) رسانده بودند، اما در هر حال امام جمعه حاضر نشده بود به جز همان خانه محقر در جای دیگری ساکن شود.

یک شهید، دو مزار

دیدار آخر با امام(ره) به نظر خودش هم جور دیگری بود. می‌گفت: «امام هم وقتی وارد شدم و هم وقت خداحافظی جلوی پایم بلند شدند... گفتند کسی بیاید و از ما دو نفر عکس بگیرد... برخلاف دفعات قبل مرا در آغوش گرفتند و معانقه کردند... فکر کنم این دیدار آخرمان بود»! جوان ۱۹ یا ۲۰ ساله، لباس بسیجی‌ها را پوشیده بود، انگار از جبهه برگشته و حالا به نماز جمعه آمده است. اسلحه‌اش را همان اول کار باز کرده و گذاشته بود جلوی مأموران تا اطمینان‌شان را جلب کند و نارنجک پنهان شده زیر لباسش به چشم نیاید... سخنران پیش از خطبه حرف‌هایش را تمام کرد...آیت‌الله برخاست تا به جایگاه برود و خطبه بخواند... جوان دست‌هایش را باز کرد، به بهانه در آغوش گرفتن و دیده بوسی جلو آمد... بقیه ماجرا را از زبان فرزندش بشنوید: «انفجار به حدی شدید بود که دو پای حاج آقا قطع شد و ایشان به حالت سجده روی زمین افتادند، در حالی که ذکرشان «حسین، حسین» بود،در بیمارستان هم ذکر «حسین، حسین» از عمق وجود ایشان شنیده می‌شد... بعد از اینکه بدن ایشان در گلستان شهدای اصفهان دفن شد، کارتن لباس‌های شهید را از بیمارستان آوردند. متوجه شدیم سنگین است، دیدیم بخشی از پا که در اثر انفجار قطع شده بود در بین لباس‌هاست. به دفتر حضرت امام زنگ زدیم... فرمودند که جایز نیست نبش قبر کنید. قسمت باقیمانده از بدن ایشان را در مزار شهدای کرمانشاه دفن کردیم... هم‌اکنون شهید محراب دو مزار دارد؛ یکی در اصفهان و یکی هم در کرمانشاه»!

طرح روز / اره برقی سعودی

طرح/ پاتریک چاپت

پس از ماجرای پرهیاهوی «جمال خاشقجی» و اینکه رسانه ها اعلام کردند این روزنامه نگار در کنسولگری عربستان کشته شده است مجله «اشپیگل» با این کاریکاتور به قتل فجیع او واکنش نشان داد.

روزمره نگاری

رفتگان، هستند!

ایستگاه /رقیه توسلی | یکی از آن دست دلتنگی‌های کشنده، رفتن به آرامگاه است... برای سرکشی و تقسیم احوال روزمره با اجداد... با پدربزرگ و مادربزرگ جان... شستن قبور و گلاب ریزان و هرس درختچه‌ها و بردن خیرات و حرف و حرف و حرف.

طوطی وار از وسط هفته گفتم: پنجشنبه دور من را قلم بگیرید. حالا دیگر پنجشنبه است. نشسته‌ایم روی قالیچه وسط دو قبرِ نازنین. مطمئنم اهل قبور شادند امروز از بس که با دستان پُر می‌آیند و می‌روند آدم‌ها. با خدابیامرزی و فاتحه و قرآن.

از آمدن مان دقایقی که می‌گذرد، عذرخواه از همراهان می‌خواهم اگر بشود بروند که من گپ خصوصی دارم با آقا شیخ. پدربزرگم را می‌گویم.

اطرافیان با چشم‌های قلمبه و متعجب می‌روند. نه خیلی دورتر. به گمانم مشکوک شدند و کارآگاه بازی شان گل کرد!

حال و روزم را صدها جمله می‌کنم و می‌ریزم پای گوش‌های مهربان‌ترین مردی که فکر می‌کنم هنوز عمامه‌اش را به سر دارد! دردهای کوچک و بزرگ را می‌ریزم روی دایره نوه و پدربزرگی و یکنفس حرف می‌زنم و می‌خواهم که دستگیرمان باشد. از آن جهت که می‌دانم این مرد چه اندازه عاشق است و راه بلد. می‌دانم دوری باعث نمی‌شود که حواسش نباشد به ما!

۱۰ دقیقه‌ای متصل حرف می‌زنم که می‌بینم آرام‌تر شده‌ام. از آن حال‌ها که بعد از «صدق الله العلی العظیم» دست می‌دهد.

پس روسری‌ام را می‌دهم بالا اما با نگاهی که تارند از اشک، کسی را نشسته کنارِ قبرِ بغلی می‌یابم. چشم‌هایم را که پاک می‌کنم، عینک دودی و عصای سفید می‌بینم و دختر جوانی که دارد به صورتم لبخند می‌زند و با صدای خوشی می‌گوید: دو بار خطابتان کردم، نشنیدید خانم! سَرِ صحبت به همین سبک، باز می‌شود. اینکه ناخواسته استراق سمع کرده و در ادامه می‌فهمم که مجری تحصیلکرده‌ای است و روشندلی، دیوارِ دنبال کردن علایقش نشده.

عزیزانم که می‌آیند «مینا» را به آن‌ها معرفی می‌کنم و به مزاح می‌گویم: برای باخبر شدن از آنچه که نشنیدید، کافی است این بانو را تخلیه اطلاعاتی کنید.

وقت لول کردن قالیچه و تقسیم خیرات نمی‌توانم جز به پدربزرگ که این‌قدر به سرعت مختصات روحم را عوض کرد، فکر کنم... جز به «لوئی بریل»، «هومر»، «کلود مونته» و «فرانکلین روزولت» که با مِدل ایرانی شان امروز به زیبایی ملاقات کردم و نگاهم نسبت به دنیای روشندلان زیر و رو شد!

مجاز آباد

مراقب‌باشیم!

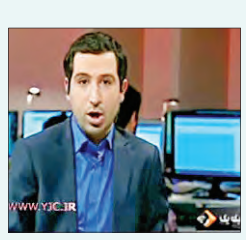

ایستگاه /این روزها بحث قانون منع به کارگیری بازنشستگان حسابی در فضای مجازی داغ است.اخیراً حسام‌الدین آشنا در مورد این قانون در توییتر نوشته بود: «مراقب باشیم! نکند با هزار بدبختی بازنشستگان را از صندلی بلند کنیم ولی آن‌ها نوچه هایشان را به جای خود بنشانند». سامان فخارزاده -خبرنگار- هم در پاسخ به توییت معاون رئیس‌جمهور در توییترش نوشت: «قانون منع به کارگیری بازنشستگان عالی است اما موجب اجحاف در حق عده‌ای هم می‌شود. این قانون شامل مؤسساتی که یک درصد سهام دولتی داشته باشند هم می‌شود. از طرفی بیشتر آن‌ها خصولتی‌اند که به تبع آن موجب بیکاری عده زیادی بازنشسته با حقوق کمتر از ۲ یا ۳ میلیون تومان می‌شود».

روبات نمازخوان!

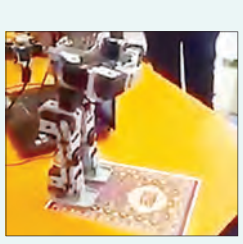

ایستگاه / خبری که دو سه روز است در فضای مجازی دست به دست می‌شود، این است: «چینی‌ها روبات نمازخوان ساخته‌اند تا به جای انسان‌ها نماز قضا بخواند»! اما واقعیت این است که روبات نمازخوان را نخستین بار سال ۱۳۹۲ یک مبتکر جوان ورامینی برای آموزش نماز به کودکان و نوجوانان ساخت. تصاویر و ویدیوهایی که از روبات هوشمند نمازخوان چینی در فضای مجازی منتشر شده و واکنش‌های زیادی را هم به دنبال داشته، با توضیح درست و دقیق همراه نیست و اعلام نشده هدف سازندگان آن چیست. ساده‌تر اینکه واکنش‌ها و شایعات کانال‌ها و گروه‌های فضای مجازی درباره این اسباب بازی را جدی نگیرید.

شما هم دعوتید

ایستگاه / همزمان با نزدیک شدن به ایام زیارتی اربعین و همایش عظیم پیاده‌روی اربعین، بسیاری از کاربران فضای مجازی پست‌های متفاوتی را با هشتگ #شما_هم_دعوتید در حساب کاربری خود به اشتراک گذاشتند و کسانی را که به دلایل مختلف قصد سفر به کربلا ندارند، به حضور در پیاده‌روی اربعین دعوت کردند. برخی از پست‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «آسان‌ترین راه برای رسیدن به حقیقت، یافتن و دیدن آن است. شما به دیدن این حقیقت دعوت شده‌اید... بعضی می‌گویند اربعین شلوغ است! یک موقع دیگر می‌رویم کربلا! باید بگویم هدف این نیست که به حرم برسی. این تجمیع مؤمنان است که خیلی مهم است».